

خبر

دبیر شورای عالی امنیت ملی:

عراقچی شروط ایران را در سازمان ملل از طریق واسطه‌ها منتقل کرد

سرلشکر محسن رضایی نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در گفت‌وگو با شبکه خبر، در واکنش به ادعای ترامپ و جنگ علیه ایران و نقش نیروهای مسلح در دفاع از ایران، اظهار کرد: «اولاً پاسخ‌های رئیس جمهوری احق آمریکا را خواهیم داد، ترامپ حرف‌های موهومی زده است. به نظر من یکی از اشتباهات تاریخی ترامپ همین سخنرانی مجمع سازمان ملل بود، زیرا در قیافه جنایتکار شکست خورده، به دفاعیه خود پرداخت.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی افزود: «این اولین رئیس جمهوری آمریکاست که تمام حرف‌هایش حول و محور ایران است، این نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین مشکل ترامپ ایران شده است. بزرگ‌ترین مشکل سیاست آمریکا شده است ایران. بدون بزرگی ایران این به دست نمی‌آید.»

سرلشکر رضایی تأکید کرد: «تمام متن سخنرانی او دفاعیه یک جنایتکار شکست خورده است که فقط به دنبال دفاع از خود است. اومی خواهد افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار دهد. رسانه‌های آمریکایی هیچ ارزشی برای او قائل نیستند و اینکه بلندگوهای خود را خاموش می‌کنند به این دلیل است که هر هزینه‌زایی چیزی ندارد. این شکست مفتضحانه است.»

وی ادامه داد: «بیشترین گاهش محبوبیت رؤسای جمهوری آمریکا در کارنامه ترامپ ثبت شده است. این فرد، چنین کسی در داخل کشور خودش است. ثانیاً برای دفاع از جنایت، جنگ را صلح تعریف کرده، تروریست را امنیت تعریف کرده است، چه کسی این را باور می‌کند؟»

دبیر شورای عالی امنیت ملی خاطرنشان کرد: «امروز جمهوری اسلامی پرقدرد وجود دارد. می‌گفت که ایران را به عصر حجر برمی‌گردانیم اما ایران پرقدرد ایستاده است.»

سرلشکر رضایی در بخش دیگری از سخنان خود، درباره مذاکرات و مواضع بلند ایران گفت: «نه تنها تغییر در مواضع پیش نیامده بلکه دیپلماسی جدید ما دارد با قدرت کارش را انجام می‌دهد. ما به دوران گذشته باز نمی‌گردیم. از چه بعدی متفاوتی است؟ ما آمریکا را وادار می‌کنیم که اعتماد ملت ایران را جلب کند و باید اول عمل کنند. اگر آمریکا شروط ما را اول عمل نکند، نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکره می‌کنیم.»

وی افزود: «شروط ما کاملاً با گذشته متفاوت است. برخی مواقع ممکن است برخی شرط‌ها را بگویم اما ایران هفت شرط دارد. پاکستانی‌ها و قطری‌ها و عراقی‌ها گفتند شرایط شما چیست؟ آنها گفتند که آمریکایی‌ها خواستند ما شروط خود را مکتوب کنیم. امروز شروط ایران در دست پاکستان و قطر وجود دارد.» دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: «در جلسه‌ای با آقای پزشکیان و عراقی قرار شد که ما شروط خودمان را در آمریکا ابلاغ کنیم. بحث جدید و شرط جدیدی مطرح نیست و ابلاغ شروط ماست.»

وی افزود: «قرار شد شروطی که ما به واسطه‌ها گفتیم در سازمان ملل، آقای عراقچی از واسطه‌ها منتقل کند.»

رضایی تصریح کرد: «تا زمانی که شروط ما محقق نشود، تنگه هرمز باز نمی‌شود و مذاکره نمی‌کنیم. اینکه چرا وارد این فاز شدیم روشن است؛ زیرا آمریکایی‌ها قابل اعتماد نیستند. ما دنبال دیپلماسی جدید هستیم.»

وی گفت: «باید شرایط ایران را عمل کنند و اگر عمل نکنند تنگه هرمز باز نمی‌شود.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: «ممکن است نباید (ترامپ) در کوهی و در بیابانی کار تبلیغاتی انجام دهد و یا تعدادی هواپیما را عبور دهد و فیلمبرداری کنند. آمریکا نیازمند این است و ما همین راه‌م تحمل نمی‌کنیم.»

وی در واکنش به طرح آمریکا برای تحریم هواپیماهای ایرانی گفت: «ما به همه کشورهای منطقه عرض می‌کنیم و تقاضا می‌کنیم وارد ماجراجویی آمریکا نشوند. اگر نگذارند هواپیماهای ایران سفر کنند، فرودگاه‌های آنان هم نمی‌توانند پرواز داشته باشند. شما دوست ما هستید ولی نباید به صف آمریکا بپیروید. باید جلوی گسترش جنگ را بگیرید.»

عارف در جلسه هیأت دولت:

رئیس جمهوری با دست پر به نیویورک رفت



دولت

گروه سیاسی

معاون اول رئیس جمهور در جلسه روزگشته هیأت دولت با اشاره به اهمیت سفر رئیس جمهوری به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید کرد که رئیس جمهوری با دست پر عازم نیویورک شد و در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل هم دست برتر را خواهد داشت و اقتدار و تعالی کشور را به دنیا اثبات خواهد کرد و پاسخ رفتارهای خشن و تحریم‌های ظالمانه دشمن را خواهد داد.

محمدرضا عارف ادامه داد: «البته

تجربه ثابت کرده است که به نهاد‌های

بین‌المللی نمی‌توان امید بست، زیرا آنها در اختیار نظام سلطه هستند و معیارهای دگواته دارند؛ به‌طور مثال اگر صدها هزار مسلمان شهید شوند، هیچ صدایی از آنها در نمی‌آید، اما اگر به یک انسان غربی بی‌احترامی کوچکی شود، صدای حقوق

بشرو آزادی آنها بلند می‌شود.»

وی افزود: «با این حال هنوز آزادگانی در جهان هستند که خود را با قوانین جنگلی تمدن غرب تطبیق نداده‌اند و مای توایم پیام خود را به گوش آنها برسانیم و اقتدار و مقاومت پنج‌دهای خود در مقابل نظام سلطه را به دنیا نشان دهیم.»

عارف خاطرنشان کرد: «آمریکا از هر وسیله و روشی، حتی ارتباط مستقیم و تماس رئیس جمهوری خود با مقام دست

هفتم یک کشور رده پنجم آفریقایی،

عضو فراکسیون مستقلین مجلس در گفت و گو با «ایران»:

اظهارات تند چند نماینده، موضع کلیت مجلس نیست

حفظ انسجام اجتماعی و پرهیز از

دوقطبی سازی تأکید می‌کند.

در روزهای اخیر شاهد طرح برخی

مواضع تند علیه دولت و بخصوص شخص رئیس جمهوری، از سوی برخی محافل و تعداد معدودی از نمایندگان بوده‌ایم. این مواضع تا چه اندازه بازتاب دهنده دیدگاه غالب مجلس است؟ آیا می‌توان گفت اکثریت مجلس همچنان بر همکار و حمایت از دولت تأکید دارد؟

موضوعی که اشاره کردید، به‌صورت کلی یکی از چالش‌های فضای سیاست داخلی کشور است؛ اینکه برخی افراد به‌پیش از آن‌که منافع مردم را در اولویت قرار دهند، منافع حزبی، جناحی و گروهی را دنبال می‌کنند. اما به‌طور خاص، یک جریان سیاسی از درانی انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، بارها موضوع استعفا و برکناری رئیس جمهوری را مطرح و حتی برای آن زمان بندی و جزئیاتی نیز تعیین کرد. این سانبروها بارها با حمایت‌های علنی رهبر شهید انقلاب از شخص رئیس جمهوری ناکام ماند. در ایام پس از جنگ تحمیلی رمضان نیز بار دیگر همین گروه‌های معدود

بر طبل تفرقه و شکاف اجتماعی کوبیدند

که این بار نیز با واکنش صریح رهبرمعظم انقلاب در پیام‌های اخیر و یوزبه پیام ایشان

به مناسبت هفته دولت مواجه شد. با این حال، باید به این نکته توجه داشت که وقتی درباره مجلس صحبت می‌کنیم، منظور ۲۸۰ همکار نماینده است که شبانه‌روز در حال خدمت و پیگیری مشکلات مردم در حوزه‌های انتخابیه خود هستند و در عین حال به مصالح کلان کشور توجه دارند.

بنابراین نباید نظرات تعداد انگشت‌شماری از افراد را به کلیت مجلس تعمیم داد.

یکی از ادعاهایی که در فضای سیاسی مطرح شده، این است که هر زمان قیمت نفت افزایش پیدا می‌کند، وزارت امور خارجه از مذاکره سخن می‌گوید تا قیمت نفت به زیان کشور کاهش پیدا کند. از ژبانی شما از دلایل طرح این نوع ادعاها و اتهامات چیست؟ آیا طرح چنین اتهاماتی در شرایط فعلی، به جای نقد عملکرد دولت، به تخریب دولت و تضعیف انسجام داخلی منجر نمی‌شود؟

در اینجا باید ادای احترام کنم به همه شه‌های نیروی دریایی سرافراز جمهوری اسلامی ایران که تا آخرین قطره خون، پاسدار منافع ایران

مختلف کشور افزود: «وحدت حول محور پرچم، رمز موفقیت، پیروزی و اقتدار ملی کشورمان است و وحدت نظر و انسجام ملی ارزشمندی درباره پرچم ایران وجود دارد.» وی همچنین با تیریک آغاز هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدای انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس، دو جنگ تحمیلی اخیر و شهدای مدرسه مناب که به گفته وی «مظلومانه توسط دشمن ددمنش ولی مدعی تمدن» به شهادت رسیدند، گفت: «پیروزی‌های کشور در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان مرهون مجاهدت‌ها، رشادت‌ها و ایثار رزمندگان کشورمان است.»

او با تیریک آغاز سال تحصیلی جدید به عنوان یک جشن ملی به همه دانش‌آموزان و کادر آموزشی کشور گفت: «دستاوردهای پنج دهه اخیر کشور مرهون مجاهدت‌ها، تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی در کشورمان بوده و دانش، آموزش و تربیت در کسب دستاوردهای کشور نقش فوق‌العاده‌ای داشته است. امیدواریم امسال نیز دانش‌آموزان سال تحصیلی جدید را با امید به آینده و برای فتح قله‌های علم و دانش آغاز کنند.»

معاون اول رئیس جمهور خاطرنشان کرد: «در سال گذشته با وجود دو جنگ و یک شبه‌کودتا، عملکرد دولت در بخش آموزش، توسعه و فناوری فوق‌العاده بود.

در این مسیر مشکلات زیادی وجود دارد، اما رویکرد رئیس جمهوری و دولت، حل

مشکلات حوزه آموزش و پرورش است.»

عارف ادامه داد: «موفقیت‌های خوبی نیز در زمینه جایگزین کردن مدارس کپری و نامناسب با مدارس استاندارد حاصل شده است. ارتقای کیفیت آموزش یک دغدغه جدی دولت است که گام‌های اولیه خوبی نیز در این زمینه برداشته شده و امیدواریم این مسیر به خوبی ادامه یابد.»

مهم‌ترین جبهه مقابله با دشمن، علم و فناوری است

در ادامه این سخنان، معاون اول رئیس جمهور، پیام اخیررهبر انقلاب درباره آغاز سال تحصیلی را پامی راهنما و نقشه راه دولت در بخش آموزش، علم و فناوری در سال تحصیلی جاری دانست و گفت: «ایشان بر ارتقای کیفیت آموزش، تربیت، مهارت، ارتقای منزلت معلم و حل مسائل معیشتی آنان تأکید داشتند که این موارد مبنای عمل دولت قرار خواهد گرفت.»

وی از کمیسیون علمی دولت خواست با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، ظرف یک ماه برنامه عملیاتی برای اجرایی کردن رهنمودهای رهبری تهیه و به دولت ارائه کند. معاون اول رئیس جمهور همچنین با تسلیت شیرینی زنجانی به محضر امام زمان (عج)، مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه و مردم کشور گفت: «ایشان از استادان



خنثی می‌کنند، این انتظار نیز وجود دارد که خواص جامعه متوجه مخاطرات موجود باشند. همان‌طور که رهبر انقلاب فرموده‌اند، حتی اگر اختلاف نظری موجه وجود داشته باشد، نباید این اختلاف به تفرقه و درگیری تبدیل شود. در شرایط کنونی که در میانه جنگ با قدرت‌های بزرگ هستیم، بکر برنده ما انسجام اجتماعی و وحدت همه مردم حول محور ایران است. بنابراین، هر کسی که خواسته با ناخواسته برخلاف این مسیر عمل کند، حتماً در پازل دشمن بازی می‌کند. همکاران ما در مجلس نیز آمادگی کامل دارند تا در هر موضوعی که دولت اعلام نیاز به همکاری کند، مسیر تقنینی را پیش ببرند و هر جا که برای کمک به رئیس جمهوری نیاز به اقدام نظارتی باشد، همراهی کامل داشته باشند.

آمریکایی‌ها بیش از قیمت نفت نگران‌کننده است. کاهش معنار ذخایر استراتژیک است که با ادامه روند فعلی می‌تواند به پاشنه آشیل دولت ترامپ تبدیل شود.

با توجه به شرایط کشور و تأکیدهای مکرر، یوزبه از سوی رهبری، بر انسجام و پرهیز از دوگانه سازی، رمز میان «نقد دولت» و «تضعیف دولت» را کجای می‌دانید؟ آیا مجلس برای جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها ی سیاسی به تخریب و دوقطبی سازی، نیازمند رویکردی مشترک و هماهنگ‌تر نیست؟

پیام رهبر معظم انقلاب برای همه فضل‌الخطاب است. وقتی ایشان به‌درستی برنامه دشمن برای بحران‌سازی داخلی را

آغاز جهانی خطرناک‌تر برای همه ما خواهد بود.

ن باید اجازه دهیم که قرن بیست و یکم به دوران بازگشت به سیاست زورمندان و حکومت زورمداران تبدیل شود. نباید جهانی بسازیم که در آن قدرت نظامی؛ جای مشروعیت، تحریم؛ جای دیپلماسی، ترور؛ جای سیاست و جنگ؛

جای گفت‌وگو را بگیرد. ایران به سوی جهان دست همکاری دراز می‌کند. ما جهان را نه به جنگ دیگر بلکه به صلح و عدالت فرامی‌خوانیم، نه از سر صف بلکه از سر اعتماد به قدرت خود و فهم این حقیقت که هیچ‌کس در این منطقه به تنهایی امنیت نخواهد داشت. با امنیت را با یکدیگر خواهیم ساخت یا ناامنی را با یکدیگر تحمل خواهیم کرد. ما به ساختن آینده می‌اندیشیم که در آن امنیت، عدالت و کرامت انسانی حقوقی سلب‌ناشدنی و مشترک برای همه ملت‌ها باشد. آینده‌ای که در آن هیچ ملتی به حاشیه رانده نشود، هیچ صدایی در هیاهوی قدرت کم نشود و هیچ قدرتی حق نداشته باشد آینده دیگران را به جای آنان رقم بزند.

نظمی که شایسته نظام بین‌المللی باشد باید بر پایه برابری ملت‌ها، عدالت، انصاف و اراده مشترک بشریت استوار شود، زیرا صلحی که برای همه نباشد، صلح نیست و عدالتی که شامل همه نشود، عدالت نیست.

و کلام آخر، که سخنان دبیر ز رئیس جمهوری آمریکا نزد افکار عمومی دنیا، اندیشمندان، سیاستمداران، حقوق‌دانان نشانه بارزی از خوی قلدری و منطق زور و مغایر با نص صریح منشور ملل متحد است. ایشان باید که تهدید، ملت ما را منسجم‌تر می‌کند، قوی‌تر می‌کند و مقاومت ایرانیان را بیشتر می‌کند و باید بداند ملت ایران در برابر زور سر خم نخواهد کرد و مجازوار را بشیمن خواهد کرد. این چیزی است که باید ترامپ و کسانی که می‌خواهند قلدری بکنند، بفهمند. ما آماده گفت‌وگو هستیم اما بداند که زبان زور را نخواهیم پذیرفت. متشکرم.

ادامه از صفحه یک

ما نمی‌توانیم از صلح سخن بگوییم، اما فلسطین را نادیده بگیریم. صلح پایدار در غرب آسیا بدون عدالت برای فلسطین پایدار نخواهد ماند. تا زمانی که اشغال، تجاوز و بی‌عدالتی در جهان باشد، مقاومت تداوم خواهد یافت. اگر شکلی از آن آسیب ببیند به اشکالی دیگر و چه بسا نیرومندان بار دیگر ظهور پیدا کنند.

غره با وجود کشتار بی‌وقفه و ویرانی گسترده، ایمان مردم را آشکار ساخت که مقاومت را نمی‌توان با بمب و محاصره وادار به تسلیم کرد. این ذات انسان است، ذات طبیعت انسان است. اگر یک انسانی را از سرزمینش بیرون کنند مقاومت می‌کند، اگر یک انسانی را خانه و کاشانه‌اش را بمباران بکنند، مقاومت می‌کند. مقاومت نکنند چه کنند؟ بپذیرد که قلدری بکنند؟ بپذیرد که از خانه و کاشانه بیرون‌شان بکنند و اینها در مقابل این تجاوز ساکت بنشینند و اگر خواستند از خودشان دفاع کنند بگویند اینها تروریست‌اند؟

مسائل منطقه ما پیش از آنکه به بهانه جنگ قدرت‌های دوردست بدل شود، در خود منطقه و توسط کشورهای منطقه مجال حل دارد. استقلال راهبردی یعنی رابطه با هیچ قدرت خارجی به امکان جنگ علیه همسایه تبدیل نشود و اکنون سخنی با همه کسانی که در تصمیم‌گیری، طراحی و اجرای حمله به سرزمین ما مسئول بودند. ملت ما قدرت نظامی و آثار تصمیم‌های مخرب آنها را از نزدیک تجربه کرد و آنها تاب‌آوری ایران را آزموده‌اند و اکنون به خوبی می‌دانند که ایران اگر حقوق بین‌الملل فقط زمانی اجرا شود که با منافع قدرتمندان سازگار باشد، کشورهای بیشتری به این نتیجه خواهند رسید که برای تأمین امنیت خود تنها به قدرت خویش باید تکیه کنند و این

^[1] سرلشکر محسن رضایی نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در گفت‌وگو با شبکه خبر، در واکنش به ادعای ترامپ و جنگ علیه ایران و نقش نیروهای مسلح در دفاع از ایران، اظهار کرد: «اولاً پاسخ‌های رئیس جمهوری احق آمریکا را خواهیم داد، ترامپ حرف‌های موهومی زده است

^[2] دبیر شورای عالی امنیت ملی افزود: «این اولین رئیس جمهوری آمریکاست که تمام حرف‌هایش حول و محور ایران است، این نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین مشکل ترامپ ایران شده است



پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵ ● شماره ۹۱۳۱

irannewspapper ● irannewspaper ●

پزشکیان در سازمان ملل راهبرد ایران در مقابل ایده

«صلح از طریق زور» آمریکا را مطرح کرد

قدرت برای صلح

گزارش

گروه سیاسی

«بمب اتم در دست رژیم اسرائیل است اما بازسی‌ها از ایران طلب می‌شود. اسرائیل می‌کشد، اما ایران تحریم می‌شود و این یک تراژدی است.» «جهان بدون داشتن قدرت خطرناک است، اما جهانی که فقط زبان قدرت بفهمد امنیت پایدار نخواهد داشت.» ما ثابت کردیم که برای دفاع از خود

از جنگ نمی‌ترسیم و برای صلح از مذاکره نمی‌گریزیم و تا پای جان برای دفاع از ایران عزمی ایستاده‌ایم.»

بیراه نیست اگر خلاصه سخنان رئیس‌جمهوری کشورمان از تریبون سازمان ملل را همین یادآوری‌ها به جهانیان بدانیم. هم استانداردهای دوگانه و ناعادلانه جبهه غربی به رهبری آمریکا را به رخ می‌کشد و هم مظلومیت ایران را. هم به جهانیان هشدار می‌دهد که امنیتی کردن روابط بین‌الملل برای همه مخاطره‌آمیز خواهد بود و هم در نهایت تشریح می‌کند موضع ایران نه جنگ طلبی بلکه دفاع در برابر تجاوز است و البته که گریزی هم از مذاکره برای صلح

در حوزه بازآرندگی تأکید شد. پزشکیان با اشاره به قرار گرفتن ایران در کنار کشورهای قدرتمند و تأثیرگذار، این موضع را مطرح کرد که راهبردهای آمریکا به اهداف خود نرسیده‌و ایران توانسته در برابر فشارها و اقدامات نظامی مقاومت کند. با این حال، نکته مهم آن بود که این موضع همزمان با اعلام آمادگی ایران برای ادامه مسیر مذاکره مطرح شد.

براساس این رویکرد، ایران همچنان آماده است از طریق مذاکره به نتایج ملموس و یک توافق دست پیدا کند. البته رسیدن به صلح، به باور مطرح‌شده در این سخنان، فرآیندی تدریجی است و نمی‌توان انتظار داشت پس از جنگی که شعله‌های آن بسیار گسترده بوده، یکباره به صلح پایدار رسید.

از این منظر، سخنان پزشکیان را می‌توان تلاشی برای خنثی کردن تصویری دانست که به گفته گوینده، آمریکا از ایران ساخته و بر اساس آن، ایران کشوری مستحکم حمله نظامی معرفی شده است. پزشکیان در سخنان خود هم بر عدالت تأکید کرد، هم از مظلومیت ایران گفت و هم توانمندی کشور در حوزه بازآرندگی را مورد توجه قرار داد. در عین حال، پیام دیگر او این بود که ایران به دنبال جنگ نیست و صلح را ترجیح می‌دهد اما برای هر گونه تجاوز و تهدید، آمادگی کامل نظامی دارد. بنابراین، رویکرد مطرح‌شده، جمع میان دیپلماسی و بازآرندگی است یعنی ادامه مذاکره از یک سو و حفظ توان دفاعی از سوی دیگر. درباره اینکه این مسیر در نهایت به امضای توافقی یا صلح منجر خواهد شد یا نه، باید منتظر روند مذاکرات و تصمیمات طرف‌های درگیر ماند.

خنثی کردن تصویرآمریکایی از ایران

سخنان مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل از این جهت قابل توجه بود که او در جایگاه رئیس‌جمهوری ایران تلاش کرد تصویری از آنچه در جریان جنگ اخیر(۲۰۲۰) و جنگ ۱۲ روزه، بر کشور گذشت، به افکار عمومی جهان ارائه کند. حضور در چنین جایگاهی این امکان را فراهم می‌کرد که روایت ایران از تحولات اخیر مطرح شود و در برابر تصویری که به باور گوینده، از سوی

دونالد ترامپ و جریان سیاسی حاکم بر آمریکا درباره ایران به‌عنوان یک تهدید ارائه شده بود، روایت دیگری قرار گیرد.

یکی از محورهای مهم سخنان پزشکیان، تأکید بر این موضوع بود که ایران هیچ‌گاه به دنبال ساخت بمب هسته‌ای نبوده است. او در کنار این مسأله، تلاش کرد پرسش‌هایی جدی درباره وضعیت دموکراسی و عدالت در نظام بین‌الملل مطرح کند. از نگاه او، جامعه جهانی شاهد حمله آمریکا به ایران بوده است. حمله‌ای که وی آن را رفتاری خشن علیه کشوری متمدن و بزرگ توصیف کرد. بنابراین، سخنان پزشکیان را می‌توان تلاشی برای بازتعریف تصویر ایران و طرح این پرسش دانست که معیارهای حاکم بر مناسبات بین‌المللی تا چه اندازه با اصول عدالت و دموکراسی سازگار است.

در بخش دیگری از سخنان رئیس‌جمهوری، بر توانمندی ایران

جامعیت یک موضع، اقتدار در دفاع و اراده برای صلح

ویژگی مهم سخنرانی دیروز پزشکیان در سازمان ملل، جامعیت و توازن آن بود.

چه در ابتدای سخنانش که بی‌متن و صمیمانه حرف زد و چه آنجا که از روی متن خواند؛ چه وقتی از قدرت و اراده دفاعی کشورش گفت و چه آنجا که صلح‌خواهی ایران در دو قرن اخیر را رخ دنیا کشید؛ چه وقتی بی‌عدالتی حاکم بر جهان و تحمیل‌شده بر مردم کشورش را مستند و اخلاقی روایت کرد و چه آنجا که با زبانی قوی، پرده از استانداردهای دوگانه کنار زد؛ همه اینها در کنار هم، منظومه‌ای جامع، مقتدر، اخلاقی، حقوقی و عدالت‌خواهانه ساخت که نه فقط موضع حاکمیت ایران، که می‌توانست سخن هر وجدان بیداری در ایران و هر مصنف دیگری در جهان باشد. صدای پزشکیان، صدای میانه‌ای بود که میانه‌روی را با شی‌موقعی با همه را از حق داشتن یا عدول از مواضع خود، اشتباه نمی‌گیرد.

این همان نقطه‌ای است که از دوگانه جنگ و تسلیم فاصله می‌گیرد؛ هم از آن که تنها بر طبل جنگ می‌کوبد و هم از آن که تسلیم را یگانه راه حل می‌داند؛ و به مصلحت ایران نزدیک‌تر می‌شود.

در واقع، ارزش سخنان پزشکیان در همین جامعیت بود؛ نقطه‌ای برای پیوند و هم‌افزایی حقیقت و مصلحت، آرمان و واقعیت.

و اگر بخوایم دو قرار مهم از این سخنرانی را برجسته کنیم، جایی بود که در دفاع از منافع ایران گفت: «بمب اتم در دست رژیم اسرائیل است اما بازسی‌ها از ایران طلب می‌شود. اسرائیل می‌کشد، اما ایران تحریم می‌شود و این یک تراژدی است.» و برای منافع مشترک جهانیان هم گفت: «جهان بدون داشتن قدرت خطرناک است، اما جهانی که فقط زبان قدرت بفهمد امنیت پایدار نخواهد داشت.»



سید ابوالحسن نواب
عضو جامعه روحانیت مبارز

دفاع از کشور؛ با منطق، اقتدار و تکیه بر مردم

همواره در جمهوری اسلامی ایران بر این موضوع تأکید شده است که باید از همه تریبون‌های بین‌المللی برای دفاع از مردم، کشور و حقوق جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. در میان این تریبون‌ها، مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای بیان مواضع و دفاع از حقوق ملت ایران است؛ تریبونی که مقام معظم رهبری نیز در دوران ریاست‌جمهوری از آن استفاده کردند و رؤسای جمهوری پیشین نیز بارها مواضع جمهوری اسلامی ایران را در آن با صراحت بیان کرده‌اند. دیروز نیز دکتر پزشکیان با حضور در این تریبون، با صراحت، شجاعت، ادب و منطق از جمهوری اسلامی ایران، حقوق مردم و منافع ملی کشور دفاع کردند. ایشان در برابر ادعاها و اظهارات رئیس‌جمهوری آمریکا کوتاه نیامدند و با پاسخ‌های مستدل و منطقی نشان دادند که جمهوری اسلامی ایران از موضع ضعف سخن نمی‌گوید، بلکه از جایگاه ملتی سخن می‌گوید که پشتوانه آن، مردم ایران هستند. این سخنرانی را می‌توان دفاعی قاطع، جدی و مستدل دانست؛ دفاعی که نه از سر جنگ طلبی بود و نه از موضع تسلیم. پیام اصلی آن، تکیه بر عقلانیت، منطق، مشروعیت دفاع و حقوق ملت ایران بود. ایران روشن کرد که برای دفاع از کشور، مردم و تمامیت سرزمینی خود ایستاده است و در برابر تهدید و زورگویی عقب‌نشینی نخواهد کرد. نه جنگ طلبیم و نه تسلیم‌پذیر؛ از کشورمان با قدرت دفاع می‌کنیم و اگر اراده منطقی، عادلانه و عزتمندانه برای صلح و حل‌وفصل مسائل وجود داشته باشد، از گفت‌وگو و مذاکره نیز استقبال می‌کنیم. همچنین یکی از بخش‌های مهم این سخنرانی، اشاره به استانداردهای دوگانه در موضوعات بین‌المللی بود. در حالی که جمهوری اسلامی ایران همواره تحت بازرسی و نظارت قرار دارد، رژیم صهیونیستی دارای توانمندی هسته‌ای است و در عین حال، جمهوری اسلامی ایران با اتهامات مختلف مواجه می‌شود. طرح این تناقض‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل، فرصتی بود تا توجه افکار عمومی جهان به این دوگانگی‌ها جلب شود. ما از جنگ استقبال نمی‌کنیم، اما اگر کشورمان مورد تعرض قرار گیرد، از دفاع از مردم و سرزمینمان دریغ نخواهیم کرد. در مقابل، اگر مسیر مذاکره بتواند به صلحی عادلانه، عزتمندانه و پایدار منجر شود، از میز مذاکره نیز قرار نخواهیم کرد. این رویکرد، ترکیبی از اقتدار در دفاع و عقلانیت در دیپلماسی است؛ رویکردی که می‌کوشد منافع ملی و حقوق مردم ایران را در هر دو عرصه، با قدرت و منطق دنبال کند.



عیتوب ربیعی
کاشتاس روابط بین‌الملل

نگاه واقع بینانه پزشکیان به تحولات جهان

سخنرانی دیروز رئیس‌جمهوری در مجمع سالانه سازمان ملل را یک نگاه کاملاً رئالیستی به صحنه بین‌الملل باید دید. اولین اصل این بود که رئیس‌جمهوری آثارشیستی بودن فضای بین‌الملل را به درستی به تصویر کشید. اینکه امروز نیروی هژمون تلاش دارد حقایق جهان را وارونه کند و با تأمین و تأمین‌کننده برای ایجاد هاشش بدد، اینکه ما تروریست معرفی شویم ولی در یک سال گذشته دو بار مورد تهاجم دشمنان تروریستی دنیا قرار بگیریم.

بخش رئالیستی دوم رئیس‌جمهوری، اشاره به دوگانه موهوم جنگ با صلح است. در قلموس سیاسی و اندیشه‌ها ما جنگ با صلح اصالت ندارد و ما نه جنگ طلبیم و نه صلح گریز. ایران تلاش کرده است تا در مهلکه جنگ نیفتد و تلاش شبانه‌روزی دیپلماسی بر این بوده است ولی آن‌گاه که بالاچار به جنگی وارد شده است خوب زرمیده و چنگیده است. سومین ضلع رئالیستی سخنان رئیس‌جمهوری اقدام در مقابل اقدام است. بسته بودن تنگه هرمز به صورت دائمی استراتژی و منفعت کامل ما نیست، بلکه تنگه هرمز زمانی برای ما منفعت است که بتواند باز باشد و منافع ما را تضمین و تأمین کند و محلی برای صلح و دفاع از خود می‌خواهد که تنگه ایران هرمز محلی بر ضد امنیت ملی ما باشد و آمریکایی‌ها از آن علیه ما استفاده کنند. کشورهای منطقه باید تصمیم بگیرند و تکلیف خود را با آمریکا مشخص کنند؛ آمریکا نمی‌تواند هم زمان خودش را به دروغ منادی حفظ امنیت جهانی بداند ولی بر هم زننده نظم منطقه‌ای باشد. ضلع چهارم نگاه رئالیستی رئیس‌جمهوری مبتنی بر مؤلفه خودیاری و قدرت بود. ایران به درستی می‌داند که در فضای آثارشیکیال باید روی پای خود ایستاد و از خود دفاع کرد. تأکید روز گذشته رئیس‌جمهوری بر اینکه ایران توان دفاع از خود را دارد و هر تجاوزی را پیشیمان می‌کند بر اساس همین اصل خودیاری بود.

اما نکته مهم سخنان دیروز رئیس‌جمهوری اشاره همزمان به کشتار مدرسه میناب، ترور رهبری شهید و نسل کشی در غزه بود. امروز نظم مبتنی بر شورای امنیت و سازمان ملل کار نمی‌کند. عنوان نشست سالانه مجمع سازمان ملل بر بازایی اعتماد به نهادهای بین‌المللی بود. چگونه می‌توان این بی‌عدالتی‌ها، جنایت‌ها و مشکلات را دید و به ساختارهای ناعادلانه اعتماد داشت؟



ایده دونالد ترامپ یعنی «صلح از طریق قدرت». در این چارچوب است که مسعود پزشکیان تأکید می‌کند ما برای دفاع از خود از جنگ نمی‌ترسیم و برای رسیدن به صلح نیز از میز مذاکره گریزان نیستیم.

نمایش عظمت و اقتدار ملت ایران



عباس گودرزی
سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

از نطق مقتدرانه و انقلابی رئیس‌محترم جمهوری جناب آقای دکتر پزشکیان تشکر می‌کنیم. حقیقتاً ایشان در تراز ریاست‌جمهوری اسلامی ایران و عظمت و اقتدار ملت ایران پشت تریبون سازمان ملل حاضر شد و با بیان مواضع صحیح و منطقی بار دیگر دشمنان این کشور را ناامید و دوستان ایران در داخل و خارج را امیدوار کرد.

سخنان مسعود پزشکیان رئیس‌محترم جمهوری اسلامی ایران در واقع افشای چهره واقعی آمریکا بود. آقای پزشکیان با سخنان شایسته خود مظلومیت توأم با اقتدار ملت ایران را فریاد زد. او از مظلومان عالم سخن گفت و پرچم مقاومت را به اهتزاز درآورد.

آقای پزشکیان با بیان و تبیین صحیح مؤلفه‌های قدرت ایران هم قلب ملت عزیز ایران و رهبر شهیدمان و روح پبلند امام کبیر انقلاب و امام شهیدمان را شاد کرد. مواضع درست ایشان نشان داد که جمهوری اسلامی ایران همواره بر سراسول و مواضع و مبانی درست خود ایستاده است و در برابر هیچ تردیدی سر خم نمی‌کند و اهل تسلیم نیست. قطعاً دنیا این پیام را دریافت کرد که در کشور ایران ممکن است اختلاف نظرها و سلیاق وجود داشته باشد اما همگان بر سر دفاع از کبان کشور و ایستادگی در مقابل تجاوز بیگانگان پد واحد هستند و مقاومت در برابر دشمنان را برای خود یک تکلیف راهبردی و استراتژیک می‌دانند. امروز با هم باید به فرمایش امام شهید امام حی و رهبر حکیم‌مان برگردیم که در شرایط امروز اتحاد مقدس و ایستادگی و مقاومت رمز ظفر و پیروزی ماست. ما محکوم به مقاومتیم. دشمنان این ملت دشمنانی بدنام و دارای خوی سبعت‌اند. آمریکا زان زور می‌فهمد و ما برای مقابله با چنین دشمنانی از هیچ امکان و تجهیزات دریغ نخواهیم کرد. برای رئیس‌محترم جمهوری آرزوی توفیقات روزافزون داریم و دعا می‌کنیم که همواره در مسیر دفاع از کبان کشور و عزت ایران و ارزش‌های والای امامین انقلاب و شهیدان و امامقام و راهبردهای جهت‌ساز رهبر عزیزمان موفق و مؤید باشند.

روایت ایرانی در مقابل روایت آمریکایی



محمّد نعیمی‌پور
نماینده ادوار مجلس

سخنرانی مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان از جمله سخنرانی‌های قابل دفاع ایران در این سطح دانست؛ سخنرانی‌ای که رئیس‌جمهوری تلاش کرد در آن، هم اما بخش دیگری از سخنرانی رئیس‌جمهوری که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی گذشت، پرداختن به مسأله فلسطین و حمایتی است که در ماه‌های گذشته علیه مردم این سرزمین رخ داده است. این بخش از سخنان پزشکیان می‌تواند در کنار مواضع ایران درباره مسائل منطقه‌ای، تصویری متفاوت از آنچه معمولاً در روایت‌های رسمی برخی دولت‌های غربی درباره ایران ارائه می‌شود، در اختیار مخاطب جهانی قرار دهد. بیان این دو موضوع در کنار یکدیگر، کمک می‌کند مخاطب خارجی، سخنان رئیس‌جمهوری را صرفاً در چارچوب اختلاف ایران و آمریکا نبیند.

پزشکیان در این سخنرانی تلاش کرد بدون گرفتار شدن در ادبیات تد و تقابلی، از مواضع ایران دفاع کند و یک پیام مشخص را به جهان منتقل کند و آن اینکه ایران که در دفاع از منافع و استقلال خود، خواهان آن است که روابط بین‌کشورها بر مبنای احترام متقابل و نه منطق زور شکل بگیرد. این همان بخش مهمی از نگاه استقلال طلبانه جمهوری اسلامی ایران است که رئیس‌جمهوری تلاش کرد در تریبون سازمان ملل بازتاب دهد.

فرصتی برای قیاس دو راهبرد



روح‌الله لک
عبادی
نماینده مجلس شورای اسلامی

سخنرانی دکتر مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان از جهت مختلف مورد توجه قرار داد؛ اما آنچه بیش از همه در این سخنرانی برجسته بود، نمایش شجاعت، عزت و غیرت ایرانی است. این سخنان بار دیگر تأکید کرد که رئیس‌جمهوری سخنان خود را با تصاویری از امام شهید، شهدای مدرسه شجره طیبه میناب و قربانیان حمله به ورزشگاه آغاز کرد؛ تصاویری که در همان ثانیه‌های اول، ابعاد جنایات جنگی رژیم صهیونیستی و آمریکا را به جهان مخایره کرد.

پزشکیان در ادامه از جبهه مقاومت، بزنامه هسته‌ای ایران، توانمندی‌های دفاعی، غزه و فلسطین سخن گفت و تصویری از ایران ارائه کرد که در برابر زورگویی و تهدید سر خم نمی‌کند. او تأکید کرد که ایران قدرت را نه برای تجاوز، بلکه برای صلح و دفاع از خود می‌خواهد و امنیت را برای همه همسایگانش ضروری می‌داند. اشاره به این نگاه که هر آنچه برای خود می‌پسندیم برای دیگران نیز پسندیم، چارچوبی روشن از رویکرد ایران به صلح و امنیت منطقه‌ای ترسیم کرد.

اهمیت این سخنرانی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که فضای پیش از حضور رئیس‌جمهوری در نیویورک را به یاد آوریم؛ فضایی که برخی افراد در داخل و خارج از کشور حضور او در سازمان ملل را مورد انتقاد قرار داده بودند. با این حال، این حضور فرصتی فراهم کرد تا سخنان رئیس‌جمهوری بدون واسطه در معرض افکار عمومی جهان قرار گیرد. شاید فشارهای و بمباران رسانه‌ای در برخی مواقع مانع از آن شود که چهره واقعی افراد و ابعاد شخصیتی آنان به درستی دیده شود؛ اما سخنان رئیس‌جمهوری ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، بدون واسطه و در سطحی گسترده در جهان بازتاب یافت. مقایسه سخنان

سیاسی

ایستادگی تعریف نشده است. مضاف بر اینکه قدرت مد نظر رئیس‌جمهوری آمریکا، قدرت تهاجمی است بر خلاف آنچه مد نظر رئیس‌جمهوری ایران است یعنی قدرت به مثابه دفاع و نه تجاوز. ایده ترامپ به هم با شکست مواجه شده است یا حداقل اینکه در برابر ایران این استفاده از زور نه تنها به صلحی نرسیده بلکه منجر به وقوع جنایت جنگی و نقض فاحش حقوق بین‌الملل و حقوق بشر شده است. سخنان مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل تشریح چرایی غلط بودن ایده صلح از طریق قدرت بود و اینکه این ایده در مورد ایران ناکارآمد بوده و در آینده هم شانس‌ی برای موفقیت نخواهد داشت. این شاید پیام و هشدار مهمی بود که رئیس‌جمهوری ایران به جهانیان داد که مسیر صلح از طریق زور نه به صلح که به ویرانی، خشم و کشتار می‌انجامد. با این حال به نظر می‌رسد چارچوب ایده راهبردی مطرح‌شده از سوی پزشکیان پیامی هم برای داخل ایران بود که قدرت دفاعی و جنگ با مذاکره بیگانه و دوگانه نیستند هر دو ابزارهایی برای رسیدن به صلح هستند.

آبروی کشورهای جنوب جهان در برابر استعمار عریان



حمیدرضا جلالی‌پور
استاد دانشگاه

به نظر من مهم‌ترین حرف پزشکیان خطاب به ترامپ-نتانیاهوی متجاوز این بود که به کشور ما حمله کردید و ما با افتخار دفاع کردیم و در آینده هم در برابر هرتجاوزی از ایرانمان دفاع می‌کنیم. به بیان دیگر می‌گفت ما نه جنگ طلبیم و نه در برابر تجاوز «تسلیم» می‌شویم.

در واقع در سازمان ملل، پزشکیان آبروی کشورهای جنوب در برابر استعمار عریان ترامپ بود. و چه خوب که پزشکیان، برخلاف جوسازی یک هفته‌ای اخیر، این سفر را انجام داد و صدای رسای مردم ایران در این «جنگ تحمیلی نابرابر» شد. ترامپ جانیکتار معتقد به صلح و دیپلماسی از راه «زور و جنایت» است. ولی ایران معتقد به «دفاع مشروع» در برابر تجاوز آشکار ترامپ و نتانیاهو به ایران است. میان زور و تجاوز به خاک کشور و دفاع مشروع از زمین تا آسمان تفاوت است. ایران دنبال عبور عزتمندانه از این جنگ نابرابر است. لذا پزشکیان هم از «دفاع مشروع» از کشور و هم از «مذاکره در شرایط برابر» (نه زورگوانه و تسلیم‌طلبانه) برای عبور از شرایط جنگی دفاع کرد. دولت ترامپ ظاهراً به محاصره دریایی ایران امید بسته است که چنین وقیحانه علیه ایران حرف می‌زند. سخنان پزشکیان پیام روشنی بود که ترامپ به محاصره دریایی دل نبندد. سخنان پزشکیان هم دفاع جانانه از مواضع ایران بود و هم تلاشی بود برای باز نگه داشتن مسیر دیپلماسی. شایسته بود که پاسخ محکمی به سخنان وقیحانه ترامپ علیه ایران بدهد و او را دوباره متوجه کند که ایران در دفاع در برابر تجاوز مثل گذشته به خود شک را نه نمی‌دهد. در عین حال او از آمادگی عزتمندانه در مسیر دیپلماسی هم دفاع کرد. در واقع پزشکیان از «جنگ طلبی» و از «تسلیم‌طلبی» دفاع نکرد، او در برابر ترامپ متجاوز از «دفاع جانانه ایرانیان» دفاع کرد. تا ایران بتواند ماه‌های سخت پیش رو را با عزت طی کند.

دست آورد. در چنین فضایی، پاسخ رئیس‌جمهوری ایران می‌توانست به‌سادگی وارد یک جدال لفظی شود، اما پزشکیان ترجیح داد با ادبیاتی محترمانه و در عین حال صریح، روایت ایران را در برابر این نگاه مطرح کند. این شیوه، به اعتقاد من، اهمیت زیادی دارد.

اما بخش دیگری از سخنرانی رئیس‌جمهوری که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی گذشت، پرداختن به مسأله فلسطین و جنایاتی است که در ماه‌های گذشته علیه مردم این سرزمین رخ داده است. این بخش از سخنان پزشکیان می‌تواند در کنار مواضع ایران درباره مسائل منطقه‌ای، تصویری متفاوت از آنچه معمولاً در روایت‌های رسمی برخی دولت‌های غربی درباره ایران ارائه می‌شود، در اختیار مخاطب جهانی قرار دهد. بیان این دو موضوع در کنار یکدیگر، کمک می‌کند مخاطب خارجی، سخنان رئیس‌جمهوری را صرفاً در چارچوب اختلاف ایران و آمریکا نبیند.

پزشکیان در این سخنرانی تلاش کرد بدون گرفتار شدن در ادبیات تد و تقابلی، از مواضع ایران دفاع کند و یک پیام مشخص را به جهان منتقل کند و آن اینکه ایران که در دفاع از منافع و استقلال خود، خواهان آن است که روابط بین‌کشورها بر مبنای احترام متقابل و نه منطق زور شکل بگیرد. این همان بخش مهمی از نگاه استقلال طلبانه جمهوری اسلامی ایران است که رئیس‌جمهوری تلاش کرد در تریبون سازمان ملل بازتاب دهد.



روایت مظلومیت و اقتدار



اکبر ولی‌زاده استاد دانشگاه تهران

سخنرانی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یکی از متفاوت‌ترین پایه روایتی صریح، احساسی و مستند بنا شد و تلاش کرد تصویر ایران را از «منهم» به «قربانی تروریسم و تجاوز خارجی» تغییر دهد. دکتر پزشکیان در شرایطی سخن گفت که جهان چشم به جنگ ایران و آمریکا دوخته بود و هر جمله او می‌توانست بازتابی فوری در رسانه‌های بین‌المللی داشته باشد. او سخنرانی خود را با یک نقطه‌عطف احساسی آغاز کرد: «من از ایرانی می‌آیم که رهبر ما را ترور کردند. این جمله، در کنار اشاره به شهادت کودکان میناب و لامرد، ترور دانشمندان و حملات آمریکا و اسرائیل، چارچوبی انسانی و ملموس برای روایت ایران ساخت؛ چارچوبی که عمداً در برابر تصویرسازی آمریکا از ایران به‌عنوان «تروریست» قرار گرفت. دکتر پزشکیان در ادامه، ترکیبی از مظلومیت و اقتدار را به نمایش گذاشت. از یک سو بر این نکته تأکید کرد که ایران قربانی تروریسم دولتی بوده است و از سوی دیگر اعلام کرد: «هیچ حمله‌ای بی‌پاسخ نمی‌ماند» و دفاع ایران مشروع و محدود به «سرزمین‌هایی است که

چهار پیام مقتدرانه پزشکیان به جهان



مصطفی‌الاعلی‌نماینده‌سابق ایران در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل

مواضع مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد را می‌توان در چهار محور اصلی صورت‌بندی کرد: محورهای که در مجموع، تصویری از رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌دهد. اهمیت این سخنان از آن جهت دوچندان است که در برابر نمایندگان عالی‌رتبه کشورهای جهان از رؤسای جمهوری و پادشاهان تا وزرای خارجه بیان شد و تلاش داشت روایت ایران از تحولات جاری را با صراحت در سطح بین‌المللی مطرح کند. نخستین محور، تأکید همزمان بر اقتدار دفاعی و ظرفیت دیپلماسی است. ایران از یک سو بر آمادگی خود برای دفاع قاطعانه از کشور، امنیت ملی و مردم تأکید دارد و از سوی دیگر، دیپلماسی و مذاکره را همچنان بخشی از سازوکار روابط بین‌الملل می‌داند. تأکید بر نقش جمهوری به‌اینکه که مردم ایران در برابر تجاوز و جنگ ظالمانه ایستادی خواهند کرد، در کنار اعلام آمادگی برای مذاکره و حل‌وفصل مسائل از مسیر دیپلماسی نشان می‌دهد که از منظر ایران، دفاع و مذاکره دو رویکرد متعارض نیستند؛ بلکه دو ابزار مکمل برای صیانت از منافع ملی، امنیت و تمامیت‌ارضی کشورند. ایران آغازگر جنگ نبوده و خواهان جنگ نیست، اما در برابر تجاوز قاطعانه ایستادگی می‌کند و همزمان مسیر گفت‌وگو را بر مبنای حقوق بین‌الملل باز می‌گذارد. محور دوم، به چالش کشیدن روایت تروریسم و مصادیق آن بود. در شرایطی که رئیس‌جمهوری آمریکا با دیگر ایران‌رادر چارچوب ادعای حمایت از تروریسم تعریف کرده است، پزشکیان این پرسش اساسی را در برابر جامعه جهانی قرار داد که «تروریست کیست و تروریست‌ها چه کسانی هستند؟» اشاره به حمله به مدرسه میناب و کشته شدن ۱۶۷ کودک، حمله به سالن ورزشی لامرد، هدف قرار گرفتن بیمارستان‌ها و رسانه‌ها، زیرساختی‌های مردم، کشتی‌های صیادی و کسب‌وکارهای عادی، در



فاطمه غریبی گروه دیپلماسی

مسعود پزشکیان ، رئیس جمهوری در سخنرانی صریح روز گذشته خود در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل با به چالش کشیدن روایت رسمی

پزشکیان ؛ نماد مقاومت و حقانیت ایرانی در سازمان ملل

سخنرانی پزشکیان را می‌توان «مانیفست حقانیت و مقاومت» ایرانی در سازمان ملل متحد دانست. بسیاری از جریان‌ها و گروه‌های داخل کشور در روزهای گذشته ادبیات انتقادی درباره سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران را بیان کرده و به این ترتیب نگران بودند که چه رویکرد ادبیاتی در انکاره و الگوی رفتاری رئیس‌جمهوری ایران به کار گرفته خواهد شد؛ واقعیت آن است که این افراد و جریانات هنوز وقوف چندانی نسبت به «روح ایرانی»، «اندیشه انقلابی» و «مسئولیت راهبردی» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نداشته یا اینکه در فضای قضاوت‌های ذهنی و ادبیات انتزاعی گرفتار شده‌اند. قضاوت درباره مسعود پزشکیان را نمی‌توان صرفاً بر اساس سخنرانی نامبرده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به انجام رساند. واقعیت آن است که پزشکیان در دورانی تاریخی مسئولیت ریاست جمهوری ایران را عهده‌دار شد که اولاً تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران در حال گسترش و تصاعد بود. ثانیاً جمهوری اسلامی نیازمند انسجام‌بخشی ساختاری و اجتماعی بوده است. ثالثاً گروه‌های نسلی و نوظهور و گروه‌های قومی که نسبت به موجودیت، حقانیت و جایگاه ساختاری ابهام داشتند، خود را در قالب «هویت ایرانی و اسلامی» تعریف کردند. چنین



واشنگتن از مناقشه ایران کوشید جایگاه شاکلی و متهم را در معادله‌ای که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا ترسیم کرده بود، دوباره تعریف کند. این روایت در یکی از صریح‌ترین فرازهای آن با اشاره همزمان به برخورداری اسرائیل از سلاح هسته‌ای و حضور بازرسان آژانس در ایران، تناقض عمیق استانداردهای دوگانه غرب را به رخ

روایت پزشکیان علیه روایت غرب

کشید و پرده از سیاستی برداشت که در مسیر پیگیری منافع خود حتی اصول اعلامی‌اش را نیز به محاق برده است. «ایران» برای واکاوی ابعاد این مواضع و سنجش اهمیت سیاسی و دیپلماتیک آن در گفت‌وگو با شماری از کارشناسان، استادان دانشگاه و دیپلمات‌ها، محورهای اصلی سخنان رئیس‌جمهوری را به بحث گذاشته

آمریکا و اسرائیل در زمره بازیگرانی هستند که در جنگ و ستیزشان علیه ایران سیاست قدرت را محور اصلی حقانیت در نظام بین‌الملل تلقی نموده و به این ترتیب نشانه‌هایی از استعمار قدیم مبتنی بر جنگ، تهاجم نظامی و تخریب را در دستور کار خود قرار داده‌اند. افشای سیاست جنگ و خشونت آمریکا و اسرائیل از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان اصلی‌ترین نشانه حقانیت ایران نزد بازیگران مختلف نظام جهانی دانست. پزشکیان با لباس مشکی که نماد عزاداری ملی ایرانی است، در مجمع عمومی حضور پیدا کرد و از تروریسم آمریکایی صحبت کرد؛ موضوعی که برای بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های جهان شناخته شده است. لباس مشکی در پیوند با بازخوانی بی‌بان سیاست‌های تهاجمی آمریکا از سوی رئیس‌جمهوری ایران را می‌توان نمادی از مقاومت در سازمانی دانست که تلاش دارد تا سازوکارهای تحقق حقانیت سیاسی کشورها را فراهم سازد. چنین انگاره‌هایی را می‌توان نشانه‌هایی از ادبیات مقاومت دانست که سیاست تهاجمی آمریکا و اسرائیل در ارتباط با ایران را تفسیر می‌کند.

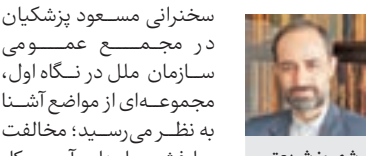
اندیشه و انگاره پزشکیان در روند اجلاس‌یه ۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل مبتنی بر بازخوانی «اعتماد و حقانیت» در نظام جهانی بوده است. پزشکیان به کشورهای مختلف هشدار داد که ایالات متحده هیچگونه حقانیتی بر سایر کشورها قائل نبوده و همواره تلاش دارد تا ندای حق‌طلبانه سایر بازیگران

تلاش برای گذار از بازدارندگی پرهزینه به بازدارندگی هوشمند

با ناامنی را با هم تجربه می‌کنیم» نیز فقط یک دعوت اخلاقی به صلح نیست و بر این واقعیت ژئوپلیتیکی تکیه دارد که در غرب آسیا، ناامنی دیگر محدود به مرزهای یک کشور باقی نمی‌ماند و اخلال در بازار انرژی، افراط‌گرایی، مهاجرت و بی‌ثباتی اقتصادی، زنجیره‌ای از پیامدها را ایجاد می‌کنند که همه بازیگران منطقه را متأثر می‌سازد به نحوی که حتی رقبای راهبردی نیز ناگزیرند هزینه‌های رقابت ملی و مدیریت کنند.

در همین حال این سخنرانی از منظر روان‌شناسی سیاسی نیز قابل تحلیل است. از منافع خود است تغییر دهد و این همان بحران می‌کوشند افزون بر تغییر محاسبات رقیب، ادراک و احساسات مخاطبان را نیز مدیریت کنند. پزشکیان تلاش کرد تصویر ایران را از بازیگری که ممکن است امنیت منطقه را مختل کند به بازیگری که خواهان ثبات، اما آماده دفاع از منافع خود است تغییر دهد و این همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد دیپلماسی فقط انتقال مواضع نیست و مدیریت ادراک و کاهش تنش‌های امنیتی نیز در آن اهمیت دارد. با وجود این بدیهی است که موفقیت این راهبرد را نباید فقط با کیفیت و عبارات یک سخنرانی سنجید چرا که در مناسبات بین‌المللی، اعتبار راهب پیام سیاسی به میزان انطباق آن با رفتار عملی دولت‌ها وابسته است.

اگر گفتار و رفتار در یک مسیر قرار گیرند، ایران می‌تواند بخشی از هزینه‌های ژئوپلیتیکی رقابت‌های خود را کاهش دهد، بی‌آنکه از عناصر اصلی بازدارندگی فاصله بگیرد. شاید مهم‌ترین هدف این سفر و پیام سخنرانی پزشکیان نیز همین باشد که او تلاش می‌کند ایران همچنان قدرت بازدارندگی خود را حفظ کند، اما تصویر و ذهنیت ایران از قدرت به شکلی هوشمندانه‌تر مدیریت شود.



شهرز شربیتی استاد دانشگاه تربیت مدرس

سخنرانی مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل در نگاه او، مجموعه‌ای از مواضع آشنا به نظر می‌رسید: مخالفت با فسلطه‌های آمریکا، محکومیت اقدامات تروریستی آمریکا، تأکید بر حق ایران در دفاع از منافع ملی و دعوت به همکاری جمعی برای امنیت منطقه‌ای همگی مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته نیز بوده است؛ اما اگر این سخنان در چارچوب منطق راهبردی جمهوری اسلامی و تحولات پس از جنگ‌های اخیر منطقه بازخوانی شود پیام دیگری نیز قابل مشاهده است که می‌توان آن را تلاش برای گذار از بازدارندگی پرهزینه به بازدارندگی هوشمند، بدون عقب‌نشینی از مؤلفه‌های قدرت ملی ارزیابی کرد. مرور حوادث سال‌های گذشته نشان داده است که هر اندازه تنش‌های منطقه‌ای افزایش یافته، هزینه‌های ژئوپلیتیکی ایران نیز بیشتر شده است و برآیند حوادث به تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی تا شکل‌گیری ائتلاف‌های بازدارنده علیه تهران انجامیده است.

در چنین شرایطی، حفظ قدرت تنها بخشی از معادله است و بخش مهم‌تر، مدیریت هزینه‌های استفاده از قدرت است که به نظر می‌رسد سخنرانی رئیس‌جمهوری را باید از همین منظر تحلیل کرد. پزشکیان کوشید میان قدرت بازدارندگی و استفاده از این قدرت تمایز قائل شود و این پیام، بیش از آنکه نشانه تغییر در توان یا اراده ایران باشد، تلاشی برای کاهش نگرانی‌های بین‌المللی و جلوگیری از تحریک ایران به گان‌ون اجماع‌های امنیتی جدید است. از همین زاویه، جمله محوری او ناظر بر این گزاره که «یا امنیت را با هم می‌سازیم

مسأله، بر ضرورت جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی از مفاهیمی مانند تروریسم و دفاع مشروع تأکید کرد؛ رویکردی که در مواضع شماری از رهبران جهان نیز قابل مشاهده است. مسأله فلسطین، سومین محور مهم سخنان رئیس‌جمهوری بود. در این چارچوب، کرد که طی هفته‌های اخیر بویژه پس از تحولات پرتنش غرب آسیا در میان شماری از کشورهای جهان در حال تقویت است، این گفتمان پیش از همه در میان کشورهای جنوب جهانی برجسته شد؛ کشورهایی که با وجود تفاوت‌های سیاسی و جغرافیایی در اعتراض به استانداردهای دوگانه، نقض حقوق بین‌الملل و نابرابری در ساختار قدرت جهانی، اشتراکات قابل توجهی در مواضع خود نشان می‌دهند. سخنان پزشکیان را نیز می‌توان در امتداد همین گفتمان و در عین حال به عنوان بیان صریح مواضع ایران درباره نظم بین‌المللی موجود ارزیابی کرد. اولین محور مهم سخنان رئیس‌جمهوری، مسأله اجرای تبعیض‌آمیز حقوق بین‌الملل بود. از این منظر، نمی‌توان انتظار داشت قواعد بین‌المللی تنها زمانی مورد استناد قرار گیرند که با منافع قدرتهای بزرگ سازگار نباشند؛ در مواردی که با منافع آنان تعارض دارند، نادیده گرفته شوند. چنین رویکردی نه‌تنها اعتبار حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر در نظام بین‌الملل خواهد شد. این مسأله طی ماه‌ها و سال‌های اخیر به یکی از محورهای مشترک مواضع بسیاری از کشورهای جنوب جهانی تبدیل شده است. محور دوم، اعتراض به جابه‌جایی جایگاه قربانی و عامل تجاوز و تروریسم است. در شرایطی که اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در فلسطین و دیگر نقاط منطقه، از جمله به بیمارستان‌ها و زیرساخت‌ها تا حملیات نظامی در غزه و لبنان، پیامدهای گسترده‌ای بر منطقه گذاشته است، نسبت دادن عنوان تروریسم به ملت‌ها و کشورهایی که مدعی دفاع از خود هستند، در نگاه این گفتمان نمونه‌ای از استانداردهای دوگانه محسوب می‌شود. پزشکیان با طرح این



علی فکری رئیس پیشین سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران

وجود تفاوت‌های سیاسی و جغرافیایی در اعتراض به استانداردهای دوگانه، نقض حقوق بین‌الملل و نابرابری در ساختار قدرت جهانی، اشتراکات قابل توجهی در مواضع خود نشان می‌دهند. سخنان پزشکیان را نیز می‌توان در امتداد همین گفتمان و در عین حال به عنوان بیان صریح مواضع ایران درباره نظم بین‌المللی موجود ارزیابی کرد. اولین محور مهم سخنان رئیس‌جمهوری، مسأله اجرای تبعیض‌آمیز حقوق بین‌الملل بود. از این منظر، نمی‌توان انتظار داشت قواعد بین‌المللی تنها زمانی مورد استناد قرار گیرند که با منافع قدرتهای بزرگ سازگار نباشند؛ در مواردی که با منافع آنان تعارض دارند، نادیده گرفته شوند. چنین رویکردی نه‌تنها اعتبار حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر در نظام بین‌الملل خواهد شد. این مسأله طی ماه‌ها و سال‌های اخیر به یکی از محورهای مشترک مواضع بسیاری از کشورهای جنوب جهانی تبدیل شده است. محور دوم، اعتراض به جابه‌جایی جایگاه قربانی و عامل تجاوز و تروریسم است. در شرایطی که اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در فلسطین و دیگر نقاط منطقه، از جمله به بیمارستان‌ها و زیرساخت‌ها تا حملیات نظامی در غزه و لبنان، پیامدهای گسترده‌ای بر منطقه گذاشته است، نسبت دادن عنوان تروریسم به ملت‌ها و کشورهایی که مدعی دفاع از خود هستند، در نگاه این گفتمان نمونه‌ای از استانداردهای دوگانه محسوب می‌شود. پزشکیان با طرح این

قدرت برای صلح



صباح زنگنه دیپلمات پیشین ایران در منطقه

سخنان مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان تلاشی برای تثبیت نسبت میان «قدرت»، «امنیت» و «صلح» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. محور اصلی این مواضع آن است که ایران قدرت را به عنوان ظرفیت بازدارندگی، دفاع از استقلال ملی و ابزاری برای دستیابی به صلح پایدار تعریف می‌کند؛ رویکردی که در سبتر تحولات امنیتی و دیگری‌های سال ۲۰۲۵ میان ایران، اسرائیل و آمریکا اهمیت بیشتری یافته است. در این چارچوب، جنگ و مذاکره الزاماً دو مفهوم متعارض نیستند. ایران از یک سو بر آمادگی خود برای دفاع تأکید دارد و از سوی دیگر، تأکید دیپلماسی را مسیر حل اختلافات می‌داند اما مذاکره را زمانی مؤثر می‌داند که با تهدید نظامی، فشار و فریب همراه نباشد. از این منظر، مذاکره

را رقیب نمی‌داند، بلکه آنان را دارای سرنوشت مشترک می‌داند و معتقد است امنیت ایران از امنیت منطقه جدا نیست. بر این اساس، ایجاد یک نظم امنیتی درون‌منطقه‌ای می‌تواند وابستگی به قدرت‌های خارجی را کاهش دهد و زمینه مدیریت بومی بحران‌ها را فراهم کند. از نگاه ایران، حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه‌تنها الزاماً امنیت ایجاد نکرده، بلکه در مواردی به گسترش ناامنی انجامیده است.

در مجموع سخنان آقای پزشکیان بر پیوند میان عدالت و امنیت تأکید دارد و پیام محوری این مواضع را می‌توان چنین خلاصه کرد: ایران قدرت می‌خواهد، اما قدرت را برای جنگ نمی‌خواهد؛ قدرت را برای بازدارندگی، دفاع از استقلال و ایجاد زمینه برای صلح می‌خواهد. از این منظر، ایران از میز مذاکره قرار نمی‌گیرد، اما تحقق صلح را در گرو کنار گذاشتن تهدید و تجاوز و بازگشت به عقلانیت، دیپلماسی و رعایت اصول عادلانه در روابط بین‌الملل می‌داند.



مجتبی‌اماتی سفیر پیشین ایران در بیروت

در برابر فشارهای خارجی در چارچوبی مبتنی بر ارزش‌های تاریخی، ملی و اسلامی ایران بیان شد. پزشکیان در این سخنان تلاش کرد تصویری از ایران ارائه دهد که ضمن برخورداری از منطق و آمادگی برای تعامل در برابر تجاوز و تحمیل نیز منفعل نیست و دفاع از حقوق و منافع خود را حقی غیرقابل چشم‌پوشی می‌داند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سخنان، تأکید میان «منطق» و «اقتدار» بود. پیام رئیس‌جمهوری این بود که ایران کشوری منطقی است اما این منطق به معنای پذیرش ظلم، تجاوز یا تهدید نیست،

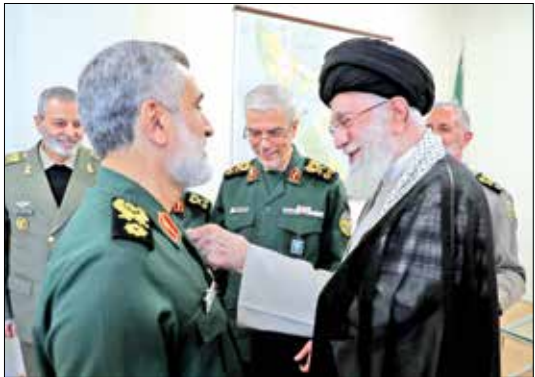
سخنان دکتر مسعود پزشکیان در سازمان ملل را می‌توان تحلیل منطقی و در عین حال مقتدرانه از مواضع ایران در برابر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دانست؛ سخنانی که در آن، دفاع از حقوق مردم ایران، در هرگونه ظلم و تجاوز و تأکید بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارهای خارجی در چارچوبی مبتنی بر ارزش‌های تاریخی، ملی و اسلامی ایران بیان شد. پزشکیان در این سخنان تلاش کرد تصویری از ایران ارائه دهد که ضمن برخورداری از منطق و آمادگی برای تعامل در برابر تجاوز و تحمیل نیز منفعل نیست و دفاع از حقوق و منافع خود را حقی غیرقابل چشم‌پوشی می‌داند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سخنان، تأکید میان «منطق» و «اقتدار» بود. پیام رئیس‌جمهوری این بود که ایران کشوری منطقی است اما این منطق به معنای پذیرش ظلم، تجاوز یا تهدید نیست،



میراث‌داران طهرانی مقدم

مروری بر چرایی و روند انتشار مجموعه چهار جلدی **آسمان‌دار**

درباره چهار فرمانده شهید هوافضای سپاه



اعطای «شان فتح» به سردار شهید حاجی‌زاده توسط رهبر شهید در پی عملیات «عده صادق»



تصویری از شهید محمدباقر طاهریور در دیدار با رهبر شهید

دفاع مقدس

فائزه غفارجادری نویسنده و مدیرمجموعه کتاب آسمان‌دار

ایده اولیه نگارش مجموعه کتاب‌های «آسمان‌دار» از سوی سردار سیدمجید موسوی مطرح شد؛ آشنایی من با ایشان با چهارده، پانزده سال پیش و ایام شهادت حسن طهرانی مقدم بازمی‌گردد که اولین همکاری‌ام با مجموعه هوافضا را رقم زد. کتاب «خط مقدم» حاصل همان همکاری است که از سوی انتشارات شهید کاظمی روانه کتابفروشی‌ها شد. انتشار آن اثر، با حمایت شخص سردار موسوی همراه بود؛ ایشان زحمت صحت‌سنجی خاطرات و اعتبارسنجی گفته‌ها را شخصاً برعهده گرفتند و محتوای کتاب، در جلسات متعددی به دقت بررسی شد. این پیش‌زمینه را گفتم تا روشن شود که هم من با سردار آشنا بودم و هم ایشان قلم و رویدگر مرا می‌شناختند. اما گفت‌وگو درباره کتاب‌های مجموعه «آسمان‌دار»، چند ماه پس از شهادت سردار حاجی‌زاده در جنگ تحمیلی ۱۳۰۷ روزه انجام گرفت. تقریباً چند ماهی از شهادت ایشان گذشته بود که ما در حوزه هنری، از طرف سازمان هوافضا، مأمور آماده‌سازی خاطرات شهدای آنان در جنگ تحمیلی دوم شدیم. بررسی با هدف دستیابی به پاسخ آنکه زندگی کدامیک از شهدای هوافضا ظرفیتی لازم برای به قالب کتاب درآمدن را دارد، شروع کردیم. بعد از چند ماه گفت‌وگو و مصاحبه در نهایت با نظر سردار موسوی، به اسامی شهدایی که این مجموعه مزین به نام‌شان شده است، رسیدیم؛ شهید امیرعلی حاجی‌زاده، شهید محمود باقری، شهید داوود شیخیان و شهید محمدباقر طاهریور. برای آماده‌سازی کتاب، خاطرات بسیاری جمع‌آوری شد؛ یکی از آنان فرمانده نیروی هوافضا بود و مابقی فرماندهان رده‌های نیرو. هدف گروه ما این بود که سر فرصت، خاطره‌های بیشتری درباره شهدا گردآوری و کتاب‌هایی مفصل منتشر شود. با این حال سردار موسوی تأکید بر بحث زمان داشتند؛ اینکه جنگ ۱۳۰۷ روزه اتفاقی است که مردم شاهد آن بوده‌اند و لازم است تا از آن برپه زمانی فاصله نگرفته‌ایم و از سویی تا قبل از آن سالگرد شهدای آن جنگ، کتاب‌هایی منتشر شود که درباره‌اش به توافق رسیدیم. تصمیم درستی هم بود چرا که از جنگ رمضان به بعد، دیگر امکان دسترسی به بسیاری از راینان وجود ندارد و هرچه در اختیار داریم، مصاحبه‌هایی هستند که آن زمان انجام شدند.



مردی که می‌خواست زنده بماند روایت‌هایی از زندگی شهید امیرعلی حاجی‌زاده نویسنده: فائزه غفارجادری انتشارات: شهید کاظمی تعداد صفحات: ۱۰۴ صفحه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

دیگر فرماندهانی که انتخاب شدند نیز سبکی مشابه شهید حاجی‌زاده داشتند. بخشی از هدف انتشار کتاب‌های این مجموعه به منظور دستیابی به الگوی مدیریتی‌شان بود؛ الگویی که از سوی آنان دنبال و در نتیجه به نتایجی مهم منتهی شد. این چهار فرمانده، با وجود مسئولیت‌های متفاوت، الگوی مدیریتی مشابهی به کار برده بودند که چنان نتایج مهمی را به دنبال داشت. بنابراین مخاطب کتاب‌های این مجموعه فقط مدیران نظامی و افراد خواهان فعالیت در عرصه‌های مشابه نیستند، بهره‌مندی از شیوه و سبک مدیریتی این فرماندهان، در هر سازمانی و با هر نوع عملکردی می‌تواند راهگشا باشد؛ از سازمان‌های دولتی و خصوصی گرفته تا حتی مراکز آموزشی و حتی در خانه و خانواده. شیوه فعالیت این شهدا، بیش از آنکه محدود به مراکز نظامی باشد، یک سبک مدیریت انسانی است، مؤلفه‌هایی که در مواجهه با اداره امور در پیش می‌گرفتند کارکردهای زیادی دارد؛ اینکه هدف را بزرگ می‌انگاشتند. آرزوهای بلندپروازانه در سرب‌ی‌پروانند و سختکوشانه و مجاهدانه برای تحقق مسئولیت‌هایی که به عهده‌شان بود می‌کوشیدند و برای کادرسازی و حفظ کرامت افراد زیردست‌شان، اهمیت زیادی افراد زیردست، به هیچ‌وجه همچون رئیس چنین اتفاقی در هر کشور دیگری، در هرکجای جهان رخ می‌داد و فرماندهان چنین رده‌های مهم دفاعی را از دست می‌دادند در روند فاعی‌شان با وقفه و مشکل عظیمی روبه‌رو می‌شدند و

دنیا، در مواجهه با افرادی در چنین سطح امنیتی- نظامی باید به خطوط قرمز توجهی ویژه داشت. با این حال گاهی به نظر می‌رسید که راینان، بیش از آنچه ضرورت ایجاب می‌کرد دست به خودسانسوری می‌زدند، ما که عطش شنیدن داشتیم، در چنین مواقعی اصرار می‌کردیم که بدون هیچ نگرانی خاصی صحبت کنند و به آنان اطمینان می‌دادیم که در روند تألیف و انتشار کتاب‌ها، محتوای آثار را حفاظت سازمان و همچنین سردار موسوی نیز چک می‌کنند و در صورت نیاز، ملاحظات لازم را در نظر می‌گیرند. نگرانی‌های به‌جایی نیز بود، به هرحال هنوز زمان چندانی از شهادت آنان نگذشته و از سویی ما همچنان در جنگ هستیم و باید از اعلام عمومی برخی مسائل امنیتی پرهیز کنیم. در نهایت محتوای کتاب‌ها از سوی حفاظت سازمان هوافضا و همچنین از سوی سردار موسوی بررسی شدند.

خطیر نظامی بوده است، کار دشوار اما بسیار متفاوتی بود. این کتاب اولین تجربه‌ای نبود که در گردآوری و تألیف اثری درباره شهدا به عهده گرفتیم، منتهی یک تفاوت مهم با تجربه‌های پیشین من داشت؛ من این مرتبه درباره فرمانده‌ای نوشتم که ایشان را دیده بودم و می‌شناختم. این شناخت هم مزایایی داشت و هم سختی‌هایی، مزیتش از این بابت بود که کار راحت‌تری در معرفی‌شان داشتم و دشوار از این بابت که در این کتاب من با شخصیتی روبه‌رو بودم که زمان کمی از شهادت‌شان می‌گذشت و طبیعتاً کمترین اشتباهی، از سوی افرادی که ایشان را می‌شناخند با نقد روبه‌رو می‌شود، این آشنایی مسئولیت بیشتری بر عهده‌ام گذاشته بود. باید به شیوه‌ای شخصیت شهید حاجی‌زاده را توصیف می‌کردم که برای افراد آشنا با ایشان واقعی و نزدیک به تصورات‌شان باشد. با وجود این، کارهای اینچنینی، وقتی با شناخت همراه است، کاری دلی و از سر علاقه‌مندی به شهدایی است که جان‌شان را برای دفاع از مردم و میهن گذاشته‌اند. با این حال، گفت‌وگوهایی که برای این کتاب انجام دادم، من را به وجوه تازه‌ای از شخصیت ایشان رساند؛ ویژگی‌هایی که سخت است همه آنها را در یک کتاب به مخاطب ارائه کرد. شهید حاجی‌زاده، فرمانده بزرگی بودند، مدیری که از ۱۹ سالگی وارد میدان نبرد و جنگ شده بود. بنابر شایستگی‌هایی که از خود نشان داده بود، تقریباً از همان ابتدا تا زمان شهادت، عهده‌دار مسئولیت‌های مهمی می‌شود؛ عافیت‌طلب نبود و در هر حوزه‌ای که کاری از او ساخته بود، به هرحوی برای بهبود شرایط می‌کوشید. این سفر پژوهشی و مواجهه با مسائل اینچنینی، مرا به شناخت کامل‌تری رساند. نکته جالب دیگر، پیوندی است که میان شهید طهرانی مقدم با شهید حاجی‌زاده و دیگر شهدای این مجموعه یافتیم؛ اینکه با وجود گذر چهارده- پانزده سال از شهادت شهید طهرانی مقدم، هنوز راه او در سازمان هوافضا با قدرت دنبال می‌شود؛ گویی که ایشان طی این سال‌ها در گسوت فرماندهان مختلف تکلیف را به عهده و همچنان برای دفاع از سرزمین ما می‌کوشند. جالب‌آنکه شهید طهرانی مقدم،



مردی که می‌توانست پرواز کند روایت‌هایی از زندگی شهید محمدباقر طاهریور نویسنده: سید محمد یوسف جلالی انتشارات: شهید کاظمی تعداد صفحات: ۱۰۴ صفحه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

هم برای این دنیا و امکاتی که برای زندگی در اختیارمان قرار گرفته اهمیت قائل بود و هم برای آن دنیا و توشه آخرت اندوختن. شاید امثال شهید حاجی‌زاده و شهید طهرانی مقدم را از دست داده باشیم، اما تفکرات آنان و عشق‌شان به وطن، همچنان جاری است. آخرآنکه شهید کاظمی که کار کتاب‌های «مردی که می‌خواست پرواز کند» روایت‌هایی از زندگی شهید محمدباقر طاهریور را بخوانند تا بدانند چه رشادت‌ها و تلاش‌هایی صرف پرقراری ایران اسلامی مان شده و می‌شود.



شهید داوود شیخیان



شهید محمود باقری در کنار سردار سیدمجید موسوی

روایت فتح آسمان

مروری بر زندگی فرماندهان شهید هوافضا



مردی که نمی‌خواست دیده‌شود روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری

- نویسنده: مرضیه اعتمادی
- انتشارات: شهید کاظمی
- تعداد صفحات: ۸۸ صفحه
- قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

تاریخ تحولات فنی و دفاعی معاصر ایران در عرصه‌های موشکی، پدافندی و سامانه‌های پرواز، از شاخص‌ترین جلوه‌های پیشرفت علمی و بازناندگی کشور به شمار می‌رود؛ حوزه‌ای راهبردی که بخش عمده‌ای از دستاوردهای آن، حاصل هم‌افزایی دانش بومی، متخصصان این میدان بوده است. مجموعه کتاب مستند چهارجلدی «آسمان‌دار» که با دبیری فائزه غفارجادری در مؤسسه فرهنگی هنری روایت سوره تولید و از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده، اثری پژوهشی در بازخوانی تاریخ شفاهی و تجارب زیسته این حوزه است. این مجموعه با تمرکز بر ابعاد انسانی و مدیریتی، کارنامه و مختصری از زندگی چهار تن از فرماندهان شاخص و اثرگذار نیروی هوافضای سپاه پاسداران را در چهار عنوان پیش روی مخاطب قرار داده است: «مردی که می‌خواست زنده بماند» روایت زندگی سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، «مردی که هوای آسمان را داشت» روایت زندگی سردار شهید داوود شیخیان، «مردی که نمی‌خواست دیده‌شود» روایت زندگی سردار شهید محمود باقری و «مردی که می‌توانست پرواز کند» روایت زندگی سردار شهید محمدباقر طاهریور.

بانگیزه‌و حامی استعداد‌های جوان

«مردی که می‌خواست زنده بماند» نوشته فائزه غفارجادری به روایت زندگی شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه می‌پردازد. واژه «زنده ماندن» در این اثر، بیش از هر چیز بیانگر بینش فرماندهی است که بقا و پویایی ساختار دفاعی کشور را در تالطم تهدیدهای پی‌رمانی، شرط اساسی توسعه راهبردی می‌دانست. نویسنده با تکیه بر تجارب قبلی خود در مستندنگاری دفاع مقدس، روایتی خواندنی خلق کرده که کانون آن، مدیریت فشارهای سنگین و نحوه اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در موقعیت‌های حساس و سرنوشت‌ساز است. بخشی از روایت‌های کتاب به توصیف شرایط زندگی و ویژگی‌های شخصیتی شهید حاجی‌زاده می‌پردازد، اینکه در محله فلاح تهران متولد می‌شود، محله‌ای که جوانانش یا زور می‌گفتند یا مقابل زورگویی می‌ایستادند و امیرخان این کتاب، جزو دسته دوم بود؛ تصمیم گرفته بود در مقابل دشمنان بایستد و در همین راه نیز به شهادت رسید. نویسنده به‌جای ارائه تصویری دست‌نیافتنی، چهره‌ای واقع‌گرا از مدیری بانگیزه‌ترسیم می‌کند که در برابر پیچیده‌ترین موقعیت فنی، تکیه بر توان داخلی را به یک دکترین عملیاتی بدل ساخت. نویسنده همچنین به الگوی هدایت نیروی هوافضا در این ساختار پرداخته است؛ سازمانی که در آن شایسته‌سالاری فنی، اعتماد به استعداد‌های جوان دانشگاهی و ایجاد حس مسئولیت جمعی، از اصول تغییرناپذیر به شمار می‌رفت.

حافظ و مشوق خودباوری نیرو‌ها

«مردی که نمی‌خواست دیده‌شود» نوشته مرضیه اعتمادی به روایت‌هایی از زندگی شهید محمود باقری، فرمانده موشکی هوافضای سپاه تعلق دارد. این اثر روایتگر زندگی و دستاوردهای شهید باقری، از پایه‌گذاران و چهره‌های محوری صنایع موشکی و پیش‌ران‌ش کشور است. عنوان کتاب بیانگر منش این متخصص با سابقه است؛ مردی که همواره در هسته حساس‌ترین پروژه‌های سوخت جامد و فناوری‌های هدایت دقیق حضور داشت، اما براساس اعتقاد فردی و ضرورت‌های سازمانی، از شهرت دوری می‌کرد. اعتمادی با استفاده از روایت‌های همکاران قدیمی، دانشمندان حوزه پلیمر و شیمی پیش‌ران و اعضای خانواده، پرتره‌ای از این مدیر متواضع در برابر مخاطبان می‌گذارد. شهید باقری نیز نظیر دیگر شهدای این مجموعه چهار جلدی، از شاگردان شهید طهرانی مقدم بوده است: «حسن آقا طهرانی مقدم بچه‌هایش را این‌طور بار آورده بود؛ جوری که در برابر دشمن، خودشان را توانمند و همه‌فن حریف ببینند و در مقال خدا، هیچ‌کاره. حاج محمود هم همین‌طور بود... نمی‌خواست توی چشم هیچ‌کس جز خدا بخاشد». در خلال روایت‌ها، نویسنده نشان می‌دهد که دستاوردهای موشکی امروز، نتیجه سال‌ها آزمون‌های مداوم، طراحی‌های مجدد و صبر در برابر ناملایمات فنی بوده است. باقری در تمام این مراحل، به عنوان تکیه‌گاهی آرام برای تیم‌های مهندسی عمل می‌کرد؛ مدیری که در سختی‌ها روحیه خودباوری مجموعه را حفظ می‌کرد و فرآیند یادگیری از آزمون‌ها را عامل دستیابی به موفقیت نهایی می‌دانست.

الگویی از مدیریت علمی و جهادی

کتاب «مردی که هوای آسمان را داشت» نوشته زینب‌سادات طباطبایی، نگاهی مستند به کارنامه شهید داوود شیخیان، فرمانده پدافند هوافضای سپاه دارد. روایت‌های کتاب تصویری واقعی و صمیمانه از او ارائه می‌دهد؛ ویژگی‌هایی که شاید در نگاه نخست سخت‌چندانی با جایگاه نظامی‌اش در آن سطح ناهمخوان باشد. روایت‌هایی که او را شهید خوش‌قلب هوافضا معرفی می‌کنند؛ اینکه یک مذهبی تمام‌عیار خوش‌پوش بوده و به‌اصول است‌کردن، حتی در پوشش نظامی نیز اهمیت می‌دهد، هماهنگی بندساعت با لباس‌هایش و خط اتوبی که همیشه چشم می‌آمد. این خوش‌نظمی‌اش، به خصوصیتی مسری تبدیل شده بود، حالا بماند که قانونمند و منظم هم بود؛ ولی نه شبیه آن آدم‌های خشک و عصافورده! مجموع این ویژگی‌ها در کنار کنایاتخوان بودن و از آن مهم‌تر جسارت و خلاقیتش در میان نیروها به او جایگاهی منحصر به فرد بخشیده بود. در کنار توصیف و واکاوی منش اخلاقی حاج داوود، این کتاب به نقش کلیدی شهید شیخیان در توسعه سامانه‌های پدافندی بومی و ارتقای امنیت حریم هوایی کشور نیز می‌پردازد. نویسنده با بهره‌گیری از خاطرات و اسناد، ابعاد تخصصی، راهبردی و انسانی زندگی شهید را به‌تصویری می‌کشد تا الگویی از مدیریت جهادی و علمی ارائه دهد. این فرمانده پدافندی نیز نظیر دیگر شهدای این مجموعه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در جریان جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسید.

مردی با اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر

«مردی که می‌توانست پرواز کند» نوشته سیدمحمد یوسف جلالی، روایت‌هایی از زندگی شهید محمدباقر طاهریور را شامل می‌شود. جلالی در این کتاب به بررسی زیست عملیاتی و علمی شهید طاهریور اختصاص دارد؛ شخصیتی که نقش ارزنده‌ای در گسترش و ارتقای ناوگان پهپادها ایفا کرد. این کتاب بیانگر گذار سریع صنایع دفاعی از برنده‌های ابتدایی شناسایی به پهپادهای شناسایی، مراقبتی و رزمی بر بلند است. جلالی با تکیه بر داده‌های تاریخی و اسناد تخصصی نشان می‌دهد که طاهریور، فرمانده‌ای نا‌آور بود که توانست پارادایم‌های سنتی طراحی سامانه‌های هوایی را با الزامات نبردهای نوین همگام کند. کتاب نشان می‌دهد طاهریور چگونه با فراهم آوردن بستری برای پژوهشگران رشته‌های هوافضا، کامپیوتر و مکانیک، اتاق عمل فکرو خطوط مهندسی پهبادی را راه‌اندازی کرد. نویسنده علاوه بر تشریح فرآیندهای فناوریانه، اضطراب‌ها و تصمیم‌گیری‌های پر فشار در اتاق‌های خلبانی از راه دور را به خوبی توصیف کرده است؛ لحظاتی که حفظ لینک ارتباطی و مدیریت پرواز‌های طولانی در شرایط جوی نامساعد، نیازمند هوشیاری بالایی بود. کتاب تأکید می‌کند که طاهریور پرواز را افتی بی‌پایان برای یادگیری و نوآوری می‌دانست. «مردی که می‌توانست پرواز کند» ادای احترامی پژوهشی به دانشی است که با دستان خالی اما اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر بر فراز آسمان‌ها به پرواز درآمد.

مردی که هوای آسمان را داشت روایت‌هایی از زندگی شهید داوود شیخیان

- نویسنده: زینب‌سادات طباطبایی
- انتشارات: شهید کاظمی
- تعداد صفحات: ۸۸ صفحه
- قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان



چرا دانستن ظرفیت زیستی شهر، بدون مسئولیت پذیری و عمل، ما را از بحران نجات نمی دهد؟

بلوغ زیست محیطی؛ شرط بقا برای شهرهای در آستانه بحران

یادداشت



فرزاد کودرز
کارشناس محیط زیست

بحران های زیست محیطی تهران، صرفاً نتیجه کمبود منابع یا ضعف زیرساخت نیستند، بلکه بازتاب مجموعه ای از عوامل فنی، اقتصادی، نهادی، مدیریتی و رفتاری اند که در میان آنها «بلوغ زیست محیطی» نقشی تعیین کننده در تبدیل دانش به تصمیم و عمل دارد. پرسش اصلی اینجااست: چرا با وجود دهه ها گزارش کارشناسی و هشدار، همچنان از ظرفیت های طبیعی و زیرساختی شهر فراتر می رویم؟ پاسخ را نمی توان فقط در کمبود دانش یا منابع جست وجو کرد؛ بخشی از پاسخ در شکاف میان دانستن، مسئولیت پذیری و عمل کردن قرار دارد. هرچا بلوغ زیست محیطی در سطح تصمیم گیران و جامعه شکل نگرفته باشد، احتمال عبور از ظرفیت های طبیعی و زیرساختی افزایش می یابد؛ حتی اگر قوانین، دانش فنی و منابع مالی نیز وجود داشته باشند.

چرا دانستن ظرفیت زیستی کافی نیست؟

هر شهر دارای ظرفیت های طبیعی و زیرساختی محدودی است. «ظرفیت زیستی» در اینجا به معنای مجموعه ای از توانایی های طبیعی، اکولوژیک و زیرساختی شهر برای پشتیبانی پایدار از زندگی، مصرف، تولید و فعالیت های انسانی در یک دوره زمانی معین است، بدون آنکه آسیب جدی و غیرقابل جبران به بنیان های طبیعی، کیفیت زندگی و توانایی بازتولید منابع وارد شود. این ظرفیت شامل منابع آب، کیفیت هوا، ظرفیت خاک، فضای سبز، شبکه حمل و نقل، زیرساخت های انرژی، سیستم مدیریت پسماند و تاب آوری

اکوسیستم در برابر فشارهای انسانی می شود. ظرفیت زیستی نه یک عدد ثابت، بلکه تابعی از فناوری، الگوی مصرف، تراکم جمعیت و کیفیت مدیریت است که در صورت بی توجهی، به سرعت کاهش می یابد و قابل بازگشت به حالت اولیه نخواهد بود. تهران سال هاست با فشار فزاینده بر این ظرفیت ها مواجه است. آلودگی هوا، بحران آب، فرونشست زمین، ترافیک مزمن و آنباشت پسماند، همگی نشانه های افزایش فشار بر ظرفیت های طبیعی و زیرساختی شهر هستند. اما دانستن ظرفیت زیستی، به تنهایی مانع عبور از آن نمی شود. ده ها گزارش کارشناسی نوشته شده، اما تصمیم گیری همچنان تحت تأثیر ملاحظات کوتاه مدت و بخشی ادامه یافته است. زیرا مسأله فقط در سطح دانش نیست؛ در سطح تصمیم، اولویت گذاری و مسئولیت پذیری نیز هست. دانستن محدودیت آب، زمانی ارزش پیدا می کند که در سیاست گذاری، صدور مجوز، الگوی ساخت وساز و مصرف شهروندان منعکس شود. اینجا دقیقاً جایی است که مفهوم «بلوغ زیست محیطی» اهمیت پیدا می کند.

بلوغ زیست محیطی چیست؟

بلوغ زیست محیطی یعنی توانایی فرد در درک این واقعیت که هر تصمیم او بر ظرفیت های طبیعی و زیرساختی شهر، کیفیت زندگی دیگران و آینده جمعی اثر می گذارد و سپس عمل کردن بر اساس این درک، مستقل از رفتار دیگران. بلوغ زیست محیطی صرفاً به معنای داشتن اطلاعات محیط زیستی نیست. ممکن است فردی اطلاعات فراوانی داشته باشد، اما در عمل رفتاری متناسب با آن دانش نداشته باشد. فاصله میان «دانستن» و «عمل کردن» مهم ترین نقطه ای است که بلوغ زیست محیطی خود را نشان می دهد. این مفهوم سه مؤلفه اصلی دارد:

درک پیوستگی: فرد بالغ می داند که مصرف آب، انرژی، تولید پسماند، شیوه جابه جایی و الگوی سکونت او با وضعیت محیط زیست و کیفیت زندگی دیگران پیوند دارد. او می فهمد که تصمیم های فردی در مقیاس میلیون ها نفر، به پیامد جمعی تبدیل می شوند. **مسئولیت متناسب با جایگاه:** همه مسئول اند، اما همه به یک اندازه اثرگذار نیستند. شهروند عادی با صرفه جویی در مصرف آب مسئولیت خود را انجام می دهد. اما شهردار، وزیر یا مدیر ارشد، به دلیل دامنه اثرگذاری، مسئولیتی سنگین تر دارند. بلوغ زیست محیطی زمانی معنا پیدا می کند که فرد، حتی پس از دستیابی به قدرت، منافع عمومی و حقوق نسل های آینده را بر منافع شخصی و ملاحظات کوتاه مدت ترجیح دهد. **استقلال از رفتار دیگران:** فرد نابالغ می گوید: «وقتی دیگران رعایت نمی کنند، چرا من رعایت کنم؟» اما فرد بالغ می داند که درستی یک رفتار، وابسته به عملکرد دیگران نیست، بلوغ یعنی مسئولیت خود را به رفتار دیگران مشروط نکنیم.

چرا بحران امروز نتیجه نبود بلوغ زیست محیطی است؟

اگر در دهه های گذشته سطح بلوغ زیست محیطی در میان تصمیم گیران بالاتر بود، بسیاری از بحران های امروز یا شکل نمی گرفتند یا با شدت کمتری مواجه می شدند. آلودگی هوای تهران محصول توسعه خودرمحور، وابستگی به سوخت های فسیلی و کاستی های حمل و نقل عمومی است. فرونشست زمین حاصل برداشت بی رویه از منابع آب زیرزمینی است. بحران پسماند نیز حاصل دهه ها تاخیر در استقرار نظام جامع مدیریت پسماند است. این مسائل صرفاً مشکلات فنی نیستند. برای حل آنها دانش، فناوری، زیرساخت و منابع مالی ضروری اند؛ اما هیچ کدام به تنهایی کافی نیستند. ریشه مشترک بسیاری از آنها در تصمیم هایی دیده می شود

که در آنها ظرفیت های طبیعی و بلندمدت به اندازه کافی در اولویت قرار نگرفته اند. مسأله فقط این نیست که «آیا راه حل را می دانستیم؟» بلکه این است که «آیا به اندازه کافی مسئولیت داشتیم که آن را اجرا کنیم؟» بلوغ زیست محیطی دقیقاً در فاصله میان این دو پرسش قرار می گیرد.



مدیران صرفاً سیاست گذار نیستند؛ آنها سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند. اول، عمومی جامعه را شکل می دهند. اگر مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند. اگر مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند.

مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند. اگر مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند.

مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند. اگر مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند.

مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند. اگر مدیران صرفاً سازندگان هنجارهای اجتماعی نیز هستند، اول، عمومی جامعه را شکل می دهند.

شهردار، وزیر یا نماینده مجلس، پیش از آنکه صاحب منصبی باشد، شهروندی است که مسئولیتی بزرگ تر بر عهده گرفته است. بلوغ زیست محیطی در سطح مدیران یعنی توانایی ترجیح منافع عمومی بر منافع شخصی، سیاسی و کوتاه مدت. مدیر بالغ تصمیمی را انتخاب می کند که به نفع شهر و شهروندان باشد، نه تصمیمی برای حل مسائل جمعی افزایش می یابد. شهروند زمانی راحت تر مسئولیت می پذیرد که احساس کند تصمیم گیران نیز قواعد خود را جدی می گیرند. سوم، مدیران می توانند استقلال اخلاقی شهروندان را تقویت یا تضعیف کنند. زمانی که قدرت به اصول پایبند باشد، شهروندان نیز انگیزه بیشتری برای رفتار مسئولانه پیدا می کنند. در مقابل، فاصله میان قانون و عملکرد، این پیام را منتقل می کند که رعایت اصول، امری اختیاری است.

مسئولیت دوگانه همه ما شهروندیم

مدیران باید تصمیمات خود را بر اساس ظرفیت زیستی اتخاذ کنند و خود حامل بلوغ و مسئولیت باشند. اما مدیران انسان هایی جدا از جامعه نیستند. همه ما پیش از هر چیز شهروند هستیم.

زیست بوم



عکس آژانس عکس تهران

که هم مدیر را از تصمیم گیری کوتاه مدت بازدارد و هم شهروند را از بی تفاوتی. در این نگاه، مسأله اصلی تقابل «دولت» و «مردم» نیست. همه ما شهروندیم؛ اما برخی در جایگاه قدرت قرار می گیرند. تفاوت در دامنه اثرگذاری تصمیمات است. هرچه قدرت بیشتر باشد، نیاز به بلوغ زیست محیطی بیشتر خواهد بود. کیفیت حکمرانی بازتاب کیفیت شهروندی است که به قدرت رسیده اند. اگر شهروندان پیش از ورود به مدیریت، به بلوغ نرسیده باشند، همان نگاه کوتاه مدت را به ساختار حکمرانی منتقل می کنند. اما اگر بلوغ شکل گرفته باشد، قدرت به ابزاری برای حفاظت از ظرفیت زیستی تبدیل می شود. شهرها پیش از آنکه از کمبود منابع شکست بخورند، ممکن است از ناتوانی انسان ها در مدیریت مسئولانه منابع شکست بخورند. از این رو، بلوغ زیست محیطی شرط ضروری حکمرانی پایدار و بقا در شهرهای در آستانه بحران است. پرسش کلیدی که این یادداشت به جا می گذارد این است: اگر بلوغ زیست محیطی راه حل است، نقش مردم می توان این بلوغ را اندازه گیری کرد؟ پاسخ این پرسش ها، محور یادداشت های بعدی خواهد بود.

مصرف، نحوه استفاده از آب و انرژی، شیوه جابه جایی، مدیریت پسماند و رعایت حقوق دیگران. در سطح مدیر، بلوغ در کیفیت تصمیم ها مشاهده می شود: آیا تصمیم بر اساس داده و شواهد گرفته می شود؟ آیا پیامدهای بلندمدت دیده می شوند؟ آیا منافع عمومی بر منافع شخصی ترجیح داده می شود؟ آیا مدیر مسئولیت پیامد تصمیم خود را می پذیرد؟ آیا در صورت خطا، آن را اصلاح می کند یا برای حفظ جایگاه توجیه می کند؟ بلوغ زیست محیطی را می توان در فاصله میان «دانستن» و «عمل کردن»، میان «قدرت» و «مسئولیت» و میان «خطا» و «اصلاح» مشاهده کرد.

جمع بندی

در یادداشت اول که با عنوان «تهران چند نفر می تواند تحصیل کند» و در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۴۰۵ به چاپ رسید گفته شد که تهران دارای ظرفیت زیستی محدودی است. در یادداشت دوم که با عنوان «شورای شهر؛ مدیر توسعه تهران یا نگهدارنده ظرفیت زیستی آن؟» در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ چاپ شد، تأکید شد که شورای شهر باید امین این ظرفیت باشد. اکنون گام سوم: حفاظت از ظرفیت زیستی بدون بلوغ زیست محیطی ممکن نیست. تهران امروز به این بلوغ نیاز دارد؛ بلوغی

پس از نگرانی ها درباره الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت جمشید به مرودشت، شورای عالی شهرسازی دوباره طرح را بررسی می کند

ضرورت تصمیم تازه برای حفظ حریم تخت جمشید

توسعه گردشگری و وضعیت محیطی منطقه مطرح شده است.

۱۷۰هکتار در کانون بحث

طبق توضیحات وزیر راه و شهرسازی، محدوده مورد بحث حدود ۱۷۰هکتار در حریم درجه ۲ تخت جمشید قرار دارد و این محدوده دارای محدودیت ارتفاعی است. در عین حال، مسئولان وزارت راه تأکید کرده اند امکان ساخت وساز در حریم درجه ۲، در چارچوب ضوابط میراث فرهنگی، به طور مطلق منتفی نیست. همین مسأله یکی از نقاط اصلی اختلاف در پرونده است: آیا می توان بخشی از این محدوده را در فرایند توسعه شهری مرودشت قرار داد و همزمان از ارزش های تاریخی و منظر فرهنگی تخت جمشید حفاظت کرد؟ پاسخ وزارت راه و شهرسازی این است که می توان توسعه شهری و حفاظت را در چارچوب ضوابط و برنامه ریزی مناسب دنبال کرد؛ اما وزارت میراث فرهنگی تأکید دارد که حفاظت از حریم اثر جهانی باید اولویت قطعی باشد. تصمیم اخیر شورای عالی شهرسازی و معماری تلاش دارد این دو نگاه را در یک فرآیند کارشناسی مشترک به هم نزدیک کند.

دسترسی گردشگران

یکی از نکات مطرح شده در جلسه شورای عالی، موضوع ساماندهی محور دسترسی مرودشت به تخت جمشید بود. وزیر راه و شهرسازی تأکید کرده است که ورود شمار زیادی از گردشگران از مسیر شهر مرودشت به سمت تخت جمشید، نیازمند خدمات پشتیبان گردشگری است. این دیدگاه نشان می دهد مسأله فقط ساخت وساز مسکونی نیست. اگر قرار باشد مرودشت نقش بیشتری در پشتیبانی از گردشگری تخت جمشید داشته باشد، باید زیرساخت هایی مانند خدمات گردشگری، دسترسی، حمل و نقل و خدمات عمومی نیز سامان پیدا کند. پرسش اصلی این است که این خدمات چگونه می توانند ایجاد شوند بدون آنکه به حریم تاریخی و منظر فرهنگی تخت جمشید فشار وارد کنند. از همین منظر، بازنگری در طرح می تواند فرصتی برای جدا کردن «توسعه خدمات گردشگری» از «توسعه بی ضابطه شهری» باشد؛ یعنی به جای آنکه تنها راه تأمین نیازهای جدید، گسترش محدوده شهر در حریم اثر تاریخی باشد، ابتدا ظرفیت های موجود و گزینه های جایگزین بررسی شوند.



صنایع دستی استان فارس اعلام کرده بود که الحاق حریم درجه ۲ تخت جمشید به مرودشت مورد پذیرش وزارت میراث فرهنگی نیست و طرح به دلیل مخالفت این وزارتخانه متوقف و وارد مرحله بازنگری شده است. در واقع، موضع فعلی وزارت میراث فرهنگی این است که توسعه شهری مرودشت نباید به قیمت کاهش سطح حفاظت از حریم تخت جمشید انجام شود. در مقابل، مسأله توسعه مرودشت نیز واقعی است و این شهر برای گسترش کالبدی با همزمانی توسعه مرودشت نیز واقعی است و این شهر برای گسترش کالبدی با همزمانی توسعه مرودشت نیز واقعی است و این شهر برای گسترش کالبدی با همزمانی توسعه مرودشت نیز واقعی است.

طرح جامع هنوز تمام نشده است

وزارت راه و شهرسازی نیز در تصمیم جدید تأکید کرد که طرح جامع مرودشت هنوز به مرحله نهایی نرسیده است. غلامرضا کاظمیان، معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، اعلام کرده مرحله دوم طرح جامع مرودشت هنوز در حال



بازنگری در طرح می تواند فرصتی برای جدا کردن توسعه خدمات گردشگری از توسعه بی ضابطه شهری باشد؛ یعنی به جای آنکه تنها راه تأمین نیازهای جدید، گسترش محدوده شهر در حریم اثر تاریخی باشد، ابتدا ظرفیت های موجود و گزینه های جایگزین بررسی شوند.



تخت جمشید

با این الحاق موافق نیست. اعتراض ها به تصمیم شهرداری مرودشت به ورود وزارت راه و شهرسازی منجر شد و فرانزه صادق، وزیر راه و شهرسازی، تأکید کرد طرح جامع مرودشت هنوز نهایی، تصویب و ابلاغ نشده است. به گفته او، لازم است دیدگاه انجمن ها و کارشناسان دریافت و در جلسات ویژه بررسی شود تا طرح جامع مرودشت غنی تر شود. از نگاه وزارت راه، بنابراین هنوز امکان بررسی دوباره ابعاد مختلف موضوع و اصلاح تصمیمات پیشین وجود دارد.

اختلاف بر سر یک محدوده حساس

اهمیت این پرونده از آنجا ناشی می شود که محدوده مورد بحث در مجاورت یکی از مهم ترین آثار تاریخی ایران و جهان قرار دارد. تخت جمشید نه تنها یک محوطه تاریخی ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو است، بلکه بخشی مهمی از هویت تاریخی و ظرفیت گردشگری ایران محسوب می شود. از این رو، هر تصمیم درباره محدوده پیرامونی آن، صرفاً یک موضوع شهرسازی یا توسعه شهری نیست و ابعاد میراث فرهنگی، گردشگری، اجتماعی و حتی محیط زیستی نیز پیدا می کند. بر اساس توضیحات ارائه شده در جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری، باید میان عرصه و حریم درجه یک یا حریم درجه ۲ تخت جمشید تفاوت قائل شد. در حریم درجه یک، ساخت وساز ممنوع است و طبق اعلام مسئولان، این محدوده همچنان تحت

گزارش

گروه زیست بوم

پرونده الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت جمشید به شهر مرودشت، به جای رسیدن به نقطه پایان، دوباره به میز بررسی بازگشته است. وزارتخانه های راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی حالا باید درباره طرحی تصمیم بگیرند که از یکسو توسعه شهری مرودشت و نیازهای گردشگری منطقه را دنبال می کند و از سوی دیگر، حفاظت از حریم یکی از مهم ترین آثار ثبت جهانی ایران را، بازنگری در این طرح، فعلاً اجرای الحاق را متوقف کرده تا ابعاد شهرسازی، میراثی و محیط زیستی آن دوباره بررسی شود. این تصمیم در شرایطی گرفته شد که طی روزهای گذشته، خبرهایی درباره الحاق بخشی از حریم درجه ۲ تخت جمشید به محدوده شهری مرودشت منتشر شده بود؛ موضوعی که واکنش های جدی در میان مدیران و کارشناسان میراث فرهنگی به دنبال داشت. در گزارش های منتشر شده از سوی رسانه ها، از محدوده روستای مهدیه سخن گفته شده که قرار بود در قالب ساماندهی به محدوده شهر مرودشت اضافه شود. در همین حال، وزارت میراث فرهنگی اعلام کرده بود که

یادداشت



مسعود تابش

مدیرعامل پیشین باشگاه سپاهان

پول، ضامن موفقیت نیست

همکاری و تعامل بازیکنان و مربیان با باشگاه، تلاش مدیران و کنترل هزینه‌ها، فولاد سپاهان اصفهان را زنده نگه داشت. این تلاش ها نتیجه داد و بازیکنان و مربیان نیز با رضایت به قراردادهای مناسب‌تر، زمینه را برای ادامه فعالیت باشگاه فراهم کردند.

در باشگاه فولاد سپاهان، تنها ورزش مطرح نیست و جنبه مسئولیت اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که همه می‌دانند مردم اصفهان با پیروزی‌های فولاد سپاهان خوشحال می‌شوند. بنابراین، به‌رغم تعدیل بودجه، باشگاه بابرجامند و این بار اصرار مدیر کارخانه فولاد بر گسترش تیمداری، تعداد تیم‌های باشگاه را به ۷۰ تیم رساند؛ اتفاقی که بدون شک می‌تواند به ثبت نتایج خوب در این فصل و در رشته‌های مختلف منجر شود. کنترل هزینه‌ها، زمینه را برای یک اتفاق مثبت دیگر نیز فراهم کرد؛ رانندازی آکادمی‌های رشته‌های مختلف با هدف تربیت نسل جدید و سازندگی در دستور کار قرار گرفت. اولین قدم مثبت در این مسیر نیز استفاده از ۱۲ بازیکن در ترکیب تیم فوتبال برای حضور در لیگ برتر بود؛ بازیکنی که بدون شک آینده درخشانی در فوتبال ایران خواهند داشت. شک نکند پول خوشبختی نمی‌آورد و قرار نیست هزینه‌های گزاف، نتیجه را تضمین کند. مسائل مالی مهم است، اما مدیریت مهم‌تر است. هزینه‌کرد در باشگاه‌ها به مدیریت نیاز دارد و ریخت‌پاش زیاد هیچ‌وقت، نه در ورزش و نه در هیچ جای دیگری، جواب نمی‌دهد. اگر چنین بود، چرا بسیاری از باشگاه‌ها پول زیادی خرج کردند، اما نتیجه نگرفتند؟ یکی از دلایل موفقیت فولاد سپاهان این است که تصمیمات مقطعی نمی‌گیرد و معمولاً برای تیم‌های خود برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دارد. برای مثال، باشگاه فولاد اسپاهان در فوتبال شورای راهبردی دارد که استراتژی هر فصل را تعیین می‌کند و معمولاً برنامه پنج‌ساله برای تیم تدوین می‌شود تا تیم‌ها براساس استراتژی و برنامه مشخص پیش بروند.

یادداشت



رسول کرکبندی

کارشناس فوتبال

مسئولیت اجتماعی با هزینه معقولانه

اصفهان با برخورداری از دو صنعت بزرگ کشور، فولاد مبارکه و ذوب‌آهن، سال‌هاست بخش قابل توجهی از ورزشکاران را تحت پوشش دارد. در این میان، سپاهان به دلیل برخورداری از بودجه بیشتر، یکی از باشگاه‌هایی است که در اجرای مسئولیت اجتماعی و توسعه ورزش در رشته‌های مختلف نقش پررنگی ایفا می‌کند. با آغاز جنگ تحمیلی و اتفاقی که برای مجموعه بزرگ فولاد مبارکه سپاهان رخ داد، این لگرانی وجود داشت که بودجه باشگاه محدود شود؛ مسأله‌ای که می‌توانست ضربه بزرگی به ورزش اصفهان و ایران وارد کند. اما به همت مسئولان رده بالای فولاد مبارکه و وزارت صمت، نه‌تنها بودجه کاهش نیافت، بلکه با افزایش ۲۵ درصدی نیز همراه شد. این تصمیم را باید اقدامی در راستای ایفای درست مسئولیت اجتماعی در قبال ورزشکاران و مردم دانست. اهمیت این تصمیم زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم افزایش منابع مالی، در صورت مدیریت صحیح هزینه‌ها، می‌تواند به توسعه پایدار ورزش منجر شود. فولاد مبارکه با تزریق مناسب منابع و اعتماد به مدیریت باشگاه، زمینه‌ای فراهم کرده تا بودجه با برنامه‌ریزی دقیق مدیریت شود و تعداد تیم‌های حرفه‌ای سپاهان در رشته‌های مختلف افزایش پیدا کند. در حال حاضر، کمتر باشگاهی در کشور از نظر تعداد ورزشکار و نیروی فعال در رشته‌های گوناگون با سپاهان قابل مقایسه است و مدیریت همزمان این مجموعه گسترده، نیازمند ساختار و نگاه حرفه‌ای است. البته استقلال نیز یک سال گذشته بر تعداد رشته‌های خود استوار بوده و جامعه ورزش امیدوار است باشگاه‌های بزرگ دیگر نیز به این مسیر وارد شوند تا افراد بیشتری تحت پوشش فعالیت‌های ورزشی قرار گیرند. اصل مهم در سپاهان، نگاه حرفه‌ای مدیران فولاد مبارکه و باشگاه به ورزش است؛ نگاهی که ورزش را عاملی برای ایجاد نشاط اجتماعی، سلامت جامعه و استفاده سالم جوانان از اوقات فراغت می‌داند. توسعه همزمان ورزش زنان و مردان در کنار فوتبال، می‌تواند دامنه این مسئولیت اجتماعی را گسترده‌تر کند.

محمد ترکاشوند، سرمربی تیم والیبال زردپوشان در گفت‌وگو با «ایران»:

مسیر رشد نیازمند برنامه‌ریزی استاندارد است



گروه ورزشی/ باشگاه سپاهان در اصفهان طرفداران پرشوری دارد و موفقیت تیم‌های اصفهانی همواره نقش بسزایی در شادی مردم این شهر داشته است؛ مسأله‌ای که در روزهایی که جامعه با چالش‌های متعدد اجتماعی روبرو است، اهمیت دودنده‌تر پیدا کرده است. در

چنین شرایطی، افزایش تعداد تیم‌های این باشگاه را می‌توان سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی ورزش کشور دانست؛ تصمیمی با هدف حفظ ساختار حرفه‌ای و تداوم نقش آفرینی یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های ورزشی ایران. محمد ترکاشوند، سرمربی تیم والیبال فولاد سپاهان، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به قدمت ۷۳ ساله این باشگاه می‌گوید: «سپاهان قدمتی طولانی در ورزش حرفه‌ای دارد و افتخارات زیادی در رشته‌های مختلف کسب کرده است. این باشگاه نشان داده نگاه حرفه‌ای مسئولان آن باعث شده ورزش اصفهان هر سال پررونق‌تر شود و سهم زیادی در تعداد ملی‌پوشان تیم‌ها داشته باشد. نگاهی که برای هر باشگاهی لازم و ضروری است.» پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، بسیاری از

«ایران» فعالیت‌های ورزشی باشگاه سپاهان با **اولویت صرفه جویی هزینه‌ها** را بررسی می‌کند

سرمایه‌گذاری و توسعه به جای ریخت و پاش

مناقصه‌ها، همکاری و تعامل بازیکنان و مربیان با باشگاه، تلاش مدیران و کنترل هزینه‌ها، فولاد سپاهان اصفهان را زنده نگه داشت. این تلاش ها نتیجه داد و بازیکنان و مربیان نیز با رضایت به قراردادهای مناسب‌تر، زمینه را برای ادامه فعالیت باشگاه فراهم کردند.

در باشگاه فولاد سپاهان، تنها ورزش مطرح نیست و جنبه مسئولیت اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که همه می‌دانند مردم اصفهان با پیروزی‌های فولاد سپاهان خوشحال می‌شوند. بنابراین، به‌رغم تعدیل بودجه، باشگاه بابرجامند و این بار اصرار مدیر کارخانه فولاد بر گسترش تیمداری، تعداد تیم‌های باشگاه را به ۷۰ تیم رساند؛ اتفاقی که بدون شک می‌تواند به ثبت نتایج خوب در این فصل و در رشته‌های مختلف منجر شود. کنترل هزینه‌ها، زمینه را برای یک اتفاق مثبت دیگر نیز فراهم کرد؛ رانندازی آکادمی‌های رشته‌های مختلف با هدف تربیت نسل جدید و سازندگی در دستور کار قرار گرفت. اولین قدم مثبت در این مسیر نیز استفاده از ۱۲ بازیکن در ترکیب تیم فوتبال برای حضور در لیگ برتر بود؛ بازیکنی که بدون شک آینده درخشانی در فوتبال ایران خواهند داشت. شک نکند پول خوشبختی نمی‌آورد و قرار نیست هزینه‌های گزاف، نتیجه را تضمین کند. مسائل مالی مهم است، اما مدیریت مهم‌تر است. هزینه‌کرد در باشگاه‌ها به مدیریت نیاز دارد و ریخت‌پاش زیاد هیچ‌وقت، نه در ورزش و نه در هیچ جای دیگری، جواب نمی‌دهد. اگر چنین بود، چرا بسیاری از باشگاه‌ها پول زیادی خرج کردند، اما نتیجه نگرفتند؟ یکی از دلایل موفقیت فولاد سپاهان این است که تصمیمات مقطعی نمی‌گیرد و معمولاً برای تیم‌های خود برنامه‌های مختلف نقش پررنگی ایفا می‌کند. با آغاز جنگ تحمیلی و اتفاقی که برای مجموعه بزرگ فولاد مبارکه سپاهان رخ داد، این لگرانی وجود داشت که بودجه باشگاه محدود شود؛ مسأله‌ای که می‌توانست ضربه بزرگی به ورزش اصفهان و ایران وارد کند. اما به همت مسئولان رده بالای فولاد مبارکه و وزارت صمت، نه‌تنها بودجه کاهش نیافت، بلکه با افزایش ۲۵ درصدی نیز همراه شد. این تصمیم را باید اقدامی در راستای ایفای درست مسئولیت اجتماعی در قبال ورزشکاران و مردم دانست. اهمیت این تصمیم زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم افزایش منابع مالی، در صورت مدیریت صحیح هزینه‌ها، می‌تواند به توسعه پایدار ورزش منجر شود. فولاد مبارکه با تزریق مناسب منابع و اعتماد به مدیریت باشگاه، زمینه‌ای فراهم کرده تا بودجه با برنامه‌ریزی دقیق مدیریت شود و تعداد تیم‌های حرفه‌ای سپاهان در رشته‌های مختلف کسب کرده است. این باشگاه نشان داده نگاه حرفه‌ای مسئولان آن باعث شده ورزش اصفهان هر سال پررونق‌تر شود و سهم زیادی در تعداد ملی‌پوشان تیم‌ها داشته باشد. نگاهی که برای هر باشگاهی لازم و ضروری است.» پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، بسیاری از

منوچهر نیکفر، مدیرعامل باشگاه فولاد سپاهان در گفت‌وگو با «ایران»:

صرفه جویی به معنای تضعیف نیست

مهری رنجبر/ باشگاه فولاد مبارکه سپاهان در شرایطی که پس از حمله موشکی آمریکا و اسرائیل، بسیاری توقف یا تعطیلی فعالیت‌های آن را پیش بینی می‌کردند، به فعالیت خود ادامه داده و همزمان برنامه‌ای سه‌ساله برای توسعه باشگاه و مدیریت هزینه‌ها تدوین کرده است. منوچهر نیکفر، مدیرعامل باشگاه فولاد مبارکه سپاهان، معتقد است این برنامه با نگر برداری از تجربه باشگاه‌های بزرگ دنیا و تمرکز بر مدیریت منابع می‌تواند مسیر تازه‌ای را برای باشگاه‌های ایرانی ترسیم کند؛ مسیری که در آن افزایش هزینه‌ها لزوماً مآل‌ی برای توسعه نخواهد بود.

نیکفر باشگاه را سازمانی متشکل از چهار محور «ترم‌افزار، سخت‌افزار، سازمان‌افزار و انسان‌افزار» می‌داند و می‌گوید: «همان‌طور که یک میز برای ایستادن به چهار پایه نیاز دارد، باشگاه نیز برای حرکت درست باید هر چهار محور را همزمان تقویت کند.» به گفته او، باشگاه فولاد سپاهان با تشکیل یک تیم تخصصی، اصلاح این چهار محور را در دستور کار قرار داده و روی فرآیندهای سازمانی، زیرساخت‌ها، سخت‌افزارهای کامپیوتری، نیروی انسانی، آموزش و جوان‌سازی مدیران کار کرده است. حاصل این اقدامات، به گفته مدیرعامل باشگاه، ایجاد استانداردهایی برای اداره بهتر مجموعه بوده است.

باشگاه های ایرانی عمدتاً

مرکز هزینه هستند

نیکفر فاصله باشگاه‌داری ایران با باشگاه‌های بزرگ دنیا را قابل توجه می‌داند و درباره ارزیابی خود از وضعیت سپاهان می‌گوید: «من در باشگاه‌داری، به مقایسه با باشگاه‌های روز دنیا، به خودمان از ۱۰۰ نفره، ۴۰ می‌دهم.»

او دلیل این فاصله را تفاوت ساختار اقتصادی و مدیریتی باشگاه‌های ایران با باشگاه‌های بزرگ خارجی عنوان می‌کند. به گفته نیکفر، باشگاه‌های ایرانی عمدتاً «مرکز هزینه» هستند، در حالی که بسیاری از باشگاه‌های بزرگ دنیا ساختار درآمدزا دارند. مدیرعامل سپاهان در توضیح این تفاوت می‌گوید: «در مورد سپاهان، ۹۹ درصد هزینه‌های باشگاه توسط فولاد مبارکه تأمین می‌شود، در حالی که باشگاه‌هایی مانند منچستر یونایتد، رئال مادرید و بارسلونا ساختاری درآمدزا دارند و حتی به سهامداران خود سود می‌دهند. تفاوت ساختاری میان این دو مدل بسیار زیاد است.»

حق پخش: حلقه مفقوده درآمدزایی

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های باشگاه‌های ایرانی با نمونه‌های بزرگ خارجی به منابع درآمدی بازمی‌گردد. نیکفر می‌گوید: «باشگاه‌های بزرگ دنیا از حق پخش تلویزیونی، فروش بازیکن و تبلیغات درآمد‌های قابل توجهی دارند، اما این منابع در ایران به شکل مؤثر در اختیار باشگاه‌ها نیست.»

به گفته او، در سطح جهانی حدود ۷۰ درصد درآمد باشگاه‌ها از حق پخش، ۲۰ درصد از فروش بازیکن و ۱۰ درصد از تبلیغات تأمین می‌شود. باشگاه‌های ایرانی از بخش عمده درآمد حاصل از حق پخش محروم هستند و به همین دلیل باید تمرکز بیشتری بر سایر منابع درآمدی داشته باشند. نیکفر معتقد است، حتی در صورت محدود بودن منابع،

خصولتی، بدهی‌های سرسام‌آور بوده و باشگاه‌های خصوصی نیز در بسیاری از موارد سرانجامی بهتر از انحلال پیدا نکرده‌اند. در مقابل، باشگاه‌هایی که به سمت برنامه‌ریزی، هزینه‌کرد اصولی و توسعه متوازن حرکت کرده‌اند، توانسته‌اند با مدیریت بهتر منابع، دامنه فعالیت‌های خود را نیز گسترش دهند. چنین رویکردی می‌تواند به توسعه رشته‌های ورزشی، پرورش استعدادها و ایجاد ساختاری پایدار برای ورزش قهرمانی منجر شود؛ موضوعی که در مدیریت باشگاه‌داری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مناقصه‌ها، همکاری و تعامل بازیکنان و مربیان با باشگاه، تلاش مدیران و کنترل هزینه‌ها، فولاد سپاهان اصفهان را زنده نگه داشت. این تلاش ها نتیجه داد و بازیکنان و مربیان نیز با رضایت به قراردادهای مناسب‌تر، زمینه را برای ادامه فعالیت باشگاه فراهم کردند.

در این میان، باشگاه فولاد مبارکه سپاهان را می‌توان نمونه‌ای قابل بررسی از حرکت به سمت باشگاه‌داری چندرشته‌ای دانست. این باشگاه در مقطعی که با آسیب‌های ناشی از جنگ تحمیلی اخیر نیز مواجه شد، مسیر فعالیت خود را متوقف نکرد و همزمان سیاست کاهش هزینه‌ها در فوتبال را دنبال کرد. توسعه ساختار ورزش قهرمانی نیز در دستور کار قرار گرفت و شمار تیم‌های ورزشی باشگاه از ۶۸ تیم به ۷۰ تیم رسید؛ اقدامی که نشان می‌دهد توسعه باشگاه الزماً به معنای افزایش هزینه‌های نجومی در یک

سازمان‌افزار مدیریت شده است.» وی در ادامه گفت: «در بخش ورزشی نیز سیاست تأمین بازیکن از داخل دنبال شده و محرم نویدکیا ۱۲ بازیکن آکادمی را به ترکیب تیم اضافه کرده است. همزمان، باشگاه به فروش بازیکنان مستعد نیز به عنوان یکی از مسیرهای آینده درآمدزایی توجه دارد.»

تسویه تعهدات گذشته

نیکفر یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مالی باشگاه در فصل جاری را تسویه تعهدات گذشته عنوان می‌کند. او می‌گوید: «از سال ۹۲ که رئیس هیأت‌مدیره سپاهان بودهام، امسال اولین سالی است که تمام تعهدات فصل قبل بازیکنان و کادر فنی تسویه شده و اولین پرداخت فصل جدید نیز انجام شده است.»

به گفته او، باشگاه اکنون دارای یک نظام بودجه‌ای مشخص است و منابع و مصارف براساس آن مدیریت می‌شود.

صرفه جویی به معنای تضعیف

تیم نیست

مدیرعامل سپاهان درباره ضرورت صرفه جویی در مدیریت هزینه‌های باشگاه می‌گوید: «صرفه‌جویی به معنای ضعیف شدن تیم فوتبال نبوده است.» او با اشاره به ترکیب تیم ادامه می‌دهد: «سپاهان ۹ بازیکن ملی پوش دارد؛ ۶ بازیکن در تیم ملی و ۲ بازیکن در تیم جوانان. ریزگارد آلوز نیز به دلیل قرارداد سه‌ساله در تیم حفظ شده است.»

ورود نکردن سپاهان

به مسابقه حراج بازیکن»

افزایش قیمت بازیکنان در بازار فوتبال ایران یکی دیگر از محوره‌ای صحبت‌های نیکفر است. او می‌گوید: «سپاهان در فصل جدید وارد مسابقه حراج بازیکن نشده است.» به

اعتقاد او، هر سال میان باشگاه‌هایی مانند استقلال، پرسپولیس، فولاد و تراکتور رقابتی برای جذب بازیکنان شکل می‌گیرد که می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و منفعت دلال‌ها منجر شود. از نگاه مدیرعامل سپاهان، کنترل هزینه‌ها برای تداوم فعالیت باشگاه‌های صنعتی یک ضرورت است. او هشدار می‌دهد: «اگر هزینه‌های فوتبال بدون کنترل افزایش یابد، باشگاه‌ها به سمت وابستگی به شرکت‌های خصوصی می‌روند، صنعتی، در سال‌های آینده توان ادامه تأمین بودجه را نخواهند داشت.»

محمد خانی، سرمربی تیم هندبال زنان سپاهان در گفت‌وگو با «ایران»:

توسعه قهرمانی به افزایش هزینه وابسته نیست



گروه ورزشی/ در روزهایی که بسیاری از باشگاه‌های ورزشی کشور با چالش افزایش هزینه‌های جاری روبرو هستند، تصمیم فولاد مبارکه برای افزایش بودجه و تعدیل تیم‌ها در باشگاه سپاهان را می‌توان از زاویه‌ای متفاوت بررسی کرد؛ تصمیمی که هدف آن تنها تقویت یک تیم فوتبال نیست، بلکه تداوم فعالیت یکی از

بزرگ‌ترین مجموعه‌های ورزشی ایران و حفظ چرخه ورزش قهرمانی و همگانی است. محمد خانی، سرمربی تیم هندبال بانوان قاطعه محمدخانی، در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است سپاهان، نیز در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است قدم برداشتن باشگاه در این مسیر، نشان‌دهنده یک نگاه حرفه‌ای است. او می‌گوید: «حضور مجموعه بزرگی مثل سپاهان در ورزش، فقط به معنای حمایت مالی نیست، بلکه ایجاد امنیت، اعتبار و چشم‌انداز حرفه‌ای برای ورزشکاران است. ورزشکار وقتی می‌بیند یک باشگاه با سابقه و ساختار حرفه‌ای برای رشته‌های مختلف برنامه دارد، با انگیزه بیشتری تمرین می‌کند و برای آینده ورزشی خودش هدف‌گذاری می‌کند.» محمدخانی قهرمانی تیمش در فصل گذشته یک برتر را نیز ثمره همین نگاه می‌داند و تأکید می‌کند: «در دوره قبلی، لیگ، همین نگاه باعث شد بازیکنان

رشته خاص نیست. اهمیت این رویکرد زمانی بیشتر مشخص می‌شود که به خروجی ورزش قهرمانی سپاهان نگاه کنیم. براساس آمار منتشرشده، این باشگاه با ۷۰ تیم ورزشی و حدود ۲۳۰۰ ورزشکار، ۱۳۵ ملی‌پوش در رشته‌های مختلف داشته است. در رشته‌ای نظیر هندبال نیز آکادمی باشگاه طی دو فصل، ۲۰ بازیکن را به تیم‌های ملی جوانان، نوجوانان و نونهالان معرفی کرده است؛ آماری که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری ورزشی می‌تواند به جای خرید صرف نتیجه، به تولید و پرورش قهرمان منتهی شود.



تیم فوتبال زنان سپاهان

توسعه آکادمی در رشته‌های مختلف

سپاهان در حوزه آموزش و پرورش استعدادها تنها روی فوتبال تمرکز نکرده است. نیکفر می‌گوید: «باشگاه برای والیبال و وزنه‌برداری نیز آکادمی ایجاد کرده است. آکادمی وزنه‌برداری در شهر لنجان اصفهان، به دلیل ظرفیت بالای استعدادهای این منطقه را هدف‌اندازی شده است.» مدیرعامل سپاهان هدف باشگاه را افزایش تعداد ورزشکاران تحت پوشش عنوان می‌کند و می‌گوید: «قرار است تعداد آنها از ۲۳۰۰ نفر به ۵ هزار نفر برسد.» فروش بازیکنان مستعد نیز بخشی از این برنامه است تا باشگاه بتواند به تدریج بخشی از درآمد خود را از این مسیر تأمین کند.»

فروش بازیکن

یکی از مسیرهای درآمدزایی

نیکفر درباره ظرفیت اقتصادی فروش بازیکن می‌گوید: «باشگاه می‌تواند با فروش یک بازیکن ۱۰ میلیاردی، ۱۰ تیم رانندازی کند. درآمد حاصل از فروش بازیکن می‌تواند برای توسعه رشته‌هایی با هزینه پایین‌تر نیز مورد استفاده قرار گیرد. او دو موردی را نمونه‌ای از این رشته‌ها می‌داند که به هزینه زیادی نیاز ندارد و امکان توسعه گسترده آن وجود دارد.» مدیرعامل سپاهان، توسعه ورزش همگانی را نیز در همین چارچوب قابل پیگیری می‌داند و معتقد است: «می‌توان با هزینه‌های محدود، برنامه‌هایی مانند همایش‌های دوومدانی برگزار کرد و زمینه حضور حدود ۲ هزار نفر در چنین رویدادهایی را فراهم آورد؛ اقدامی که علاوه بر توسعه فعالیت باشگاه، می‌تواند به سلامت جامعه نیز کمک کند.»

کاهش وابستگی به منابع صنعتی

مدیرعامل باشگاه فولاد سپاهان در پایان توضیح می‌دهد: «کنترل هزینه‌ها، توسعه آکادمی و نیروی انسانی، افزایش تعداد رشته‌ها و حرکت تدریجی به سمت درآمدزایی از اهداف ورژ ما در این دوره است.» او تأکید می‌کند: «باشگاه در شرایطی که بخش عمده درآمدهای سنتی فوتبال ایران، با جمعه حق پخش، در اختیار باشگاه‌ها نیست، تلاش دارد با مدیریت منابع موجود، استفاده از بازیکنان و مربیان داخلی، پرورش استعداد و فروش بازیکن، وابستگی خود به منابع اسپانسر صنعتی را در بلندمدت کاهش دهد.» به گفته مدیرعامل سپاهان، این رویکرد در شرایط اقتصادی دشوار و همزمان با افزایش هزینه‌های ماندن والیبال و وزنه‌برداری نیز ضرورت مدیریتی برای باشگاه تبدیل شده است.

مجید رحیمی‌زاده، سرمربی هندبال سپاهان در گفت‌وگو با «ایران»:

بدون قرارداد نجومی هم می‌توانیم موفق شویم



پرسا غفاری/ توسعه تیم‌ها و زیرساخت‌های ورزشی همواره یکی از برنامه‌های باشگاه سپاهان بوده است. با وجود شرایطی که جنگ تحمیلی برای کارخانه فولاد ایجاد کرد، نه‌تنها خللی در مدیریت ورزش به وجود نیامد، بلکه با تزریق بودجه بیشتر، تعداد تیم‌های حرفه‌ای این مجموعه افزایش یافت. مجید

رحیمی‌زاده، سرمربی تیم هندبال سپاهان، در گفت‌وگو با «ایران» در این‌باره می‌گوید: «توسعه ورزش در اصفهان و دیگر شهرستان‌های استان، از برنامه‌های سپاهان بوده و هست. همچنین رشته‌هایی وجود دارند که قابلیت مطرح شدن در سطح جهانی را دارند و وظیفه شناسایی استعدادها، فعالان این باشگاه امیدواریم در سال‌های پیش رو، این مسیر رشد با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند.» او با اشاره به تأثیرات جنگ تحمیلی به بدنه ورزش، معتقد است فولاد مبارکه توانسته این مسأله را به خوبی مدیریت کند: «یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در این مسیر برداشته شد، به‌تدریج تیم‌ها را به‌تدریج بودجه بیشتر، ۲۳۰۰ ورزشکار تحت پوشش قرار گرفتند. قطعاً بدون هزینه نجومی نیز می‌توان با برنامه‌ریزی حرفه‌ای به موفقیت ایده‌آل دست پیدا کرد.»



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

پنجشنبه ۲ مهر ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۳۱
• اذان ظهر ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸/۱۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۵ • اذان صبح فردا ۴/۳۱ • طلوع آفتاب فردا ۵/۵۴

irannewspaper.ir

ایران

باید پای خواسته‌مان بایستیم

من همیشه معتقد بودم آدم باید تکلیفش با خودش و حرفه‌اش مشخص باشد برای همین از ابتدا بازیگری را به عنوان حرفه در حوزه هنر انتخاب کردم اما حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم طرح‌های زیادی داشتم که می‌توانستم به آنها جامه عمل بپوشانم ولی متأسفانه خیلی راحت از کنار آنها گذشتم؛ مثلاً در دنیا بازیگران زیادی وجود دارند که بعدها کارگردان شدند و کارگردان‌های موفق‌ی هم شدند؛ مثل وودی آلن. فکری می‌کنم که کارگردانی به بازیگر کمک می‌کند نگاه عمیق‌تری به جامعه و اطرافش داشته باشد و او را به انسان دوراندیش‌تر و عمیق‌تری تبدیل می‌کند. من معتقدم هرکسی باید قدر خودش را بداند و به دنبال علائقش برود و پای عشق و خواسته‌اش بایستد. شاید ورود به عرصه بازیگری آسان باشد اما ماندگارشدن کار سختی است چون تحمل و صبری می‌خواهد.

گزیده‌ای از صحبت‌های امین تارخ
به بهانه سالروز درگذشت این هنرمند در دوم مهر۱۴۰۵



نقل قول

- **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری
- **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

- **مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران**
- **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- **مدیرعامل:** علی متقیان
- **نظفان:** ۸۸۷۶۱۷۲۰۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومی:** **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



«پیروز ارجمند»: بازگشت به دبیری موسیقی نواحی

پیروز ارجمند، آهنگساز و مدیرکل اسبق دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حکم مهدی شفیعی معاون هنری وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دبیر هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی کشور منصوب شد. ارجمند که ازپژوهشگران باسابقه ایران است، پیش‌ترنیزتجربه مدیریت دفترموسیقی حوزه هنری و دبیری چندین دوره از جشنواره‌های فجر و نواحی را در کارنامه داشته است. این دوره از جشنواره با مدیریت این چهره نام‌آشنا، از ۲۴ تا ۲۹ آبان‌ماه امسال به میزبانی کرمان برگزار خواهد شد. **ا‌یرنا**



تدارک بازگشت پیکر «سیروس ابراهیم‌زاده» به وطن

پیکر زنده‌یاد سیروس ابراهیم‌زاده، بازیگر، نویسنده و کارگردان پیشکسوت سینما و تئاتر ایران، بنا بر وصیت و خواست قلبی‌اش به کشور بازمی‌گردد. به گفته احترام برونمند، خانواده و همسرا، ناهید کبیری، در حال پیگیری امور اداری برای انتقال پیکر این هنرمند از آمریکا به ایران هستند؛ روندی که با توجه به شرایط، زمانبر خواهد بود. ابراهیم‌زاده، چهره خاطره‌ساز آثاری چون «مومیایی ۲» و «تقاطع»، ۳۰ شهریورماه پس از دوره‌ای درگیری با مشکلات جسمی چشم از جهان فروبست. **ایسنا**



«برد پیت» درخشش در نبرد سخت بقا

برد پیت، ستاره سرشناس هالیوود، با فیلم تریلر و بقامحور «قلب هیولا» ساخته دیوید آیر، توجه منتقدان سینمایی را بار دیگر به هنربازیگری‌اش جلب کرد. پیت در این فیلم نقش یک افسر بازنشسته نیروهای ویژه را ایفا می‌کند که پس از سقوط هواپیمای به آلاسکا، همراه با سگ جنگی‌اش برای بقای جنگد. این همکاری دوباره پیت با کارگردان فیلم «خشم»، با تحسین گسترده‌ای از جمله امتیاز ۹۶ در راتن تومیتوز روبه‌رو شده و توانایی‌های بیانی و کاریزمای ماندگار او را به رخ کشیده است. **مهر**

در اولین آیین روز پرچم جمهوری اسلامی ایران در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

پرچم؛ مدار وحدت ملی در برابر تهدیدها



عکس‌ها: علی محمدی / ایران

گزارش

سعیده احسانی‌راد

گروه فرهنگی

پس از حماسه حضور مردم در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و در ادامه آن، در دفاع مقدس رمضان، مساله پرچم‌ایجاد پرچسته‌تری پیدا کرد به طوری که این موضوع در شورای فرهنگ عمومی مطرح و تصویب شد تا روزی به نام «روز پرچم» در تقویم رسمی کشور ثبت شود که این امر مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز قرار گرفت و یکم مهرماه به عنوان «روز پرچم» نامگذاری شد. در همین راستا در روز پرچم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی میزبان اولین آیین برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران بود. در این مراسم رسمی که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران ارشد برگزار شد، با ادای احترام و گل به شهدای گمنام، پرچم ایران در محوطه وزارتخانه برافراشته شد. صالحي در این مراسم در پاسخش به خبرنگار روزنامه ایران درباره این موضوع که پرچم یکی از مهم‌ترین نمادهای هویت ملی است و وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تقویت حس تعلق نسل جوان به نمادهای ملی و افزایش مشارکت‌شان در پاسداشت پرچم ایران چه برنامه مشخصی دارد گفت: «مساله پرچم برای همه ملت‌ها و دولت‌ها جایگاه خاص خودش را دارد اما با توجه به اینکه کشور ما در معرض تهاجمات و خطرهایست، این پرچم به عنوان نماد همبستگی، غرور ملی و نشان‌دهنده تاریخ تمدنی ماست، طبیعتاً دستگاه‌های مختلف در ارتباط با پرچم نقش‌هایی دارند.» او در ادامه افزود: «در آیین نام‌های که در دولت اخیراً درباره پرچم به تصویب رسید، نقش دستگاه‌های مختلف دیده شده است، از جمله وزارت فرهنگ که در حوزه‌های مختلف، تبلیغاتی، رسانه‌ای و همچنین کلیپ‌های کوتاه، فضای فیلم‌های سینمایی که به نحوی بتواند تعلق به پرچم را نشان دهد، جزو درخواست‌های کاری قرار دادیم. این موضوع طبیعتاً نباید حالت کلیشه‌ای پیدا کند، چون اگر کار فرهنگی و رسانه‌ای به صورت پروپاگاندا (تبلیغات جهت‌دار) باشد تأثیرش معکوس است، باید به شکل نرم و لطیف پرچم را به عنوان بخشی از شناسنامه ملی ما در فضای اجتماعی تثبیت کند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به ضرورت

توجه بیشتر به این نماد تصریح کرد: «متأسفانه در چند دهه اخیر توجه‌مان به پرچم به اندازه کافی نبوده است، اما در یک سال اخیر توجه مضاعف شد؛ به نظر آمد که چطور در کنار پرچم به عنوان نقطه اتکا قرار بگیریم، ممکن است اختلاف عقیده و سلیقه داشته باشیم یا در پاره‌ای از رویکردها و دیدگاه‌ها تفاوت نظر وجود داشته باشد اما بحث مردمی، حضور مردم در تجمعات هم در جنگ ۱۲ روزه و هم جنگ رمضان نشان داد که چطور پرچم می‌تواند یک نقطه ارتباطی و مدار وحدت اجتماعی باشد.»

برنامه‌های رسانه‌ای و تربیت نسل جوان
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار «ایران» که در شرایطی که بخش قابل توجهی از ارتباط نسل جوان با نمادهای ملی در فضای مجازی شکل می‌گیرد، وزارت فرهنگ چه برنامه‌ای برای معرفی و تقویت جایگاه پرچم ایران در فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور دارد، گفت: «خوشبختانه در این هفت-هشت ماه گذشته، فضای میان جوانان و نوجوانان به نسبت مناسبی در شبکه‌های اجتماعی با پرچم پیدا کرده است و کار رسانه‌ها خیلی ساده‌تر شده‌است. سال‌های قبل باید

مقدماتی فراهم می‌شد، اما حالا بسیاری از کارها با ارجاعات و پس زمینه‌هایی که مرتبط با پرچم است در حال اتفاق است.» او تصریح کرد: «لذا به نظر می‌آید رسانه‌ها باید با روش‌هایی که شناخت دارند، بدون اینکه گل‌درشت کار کنند، به صورت نرم و ظریف اما دقیق و هدفدار کاری کنند که این حس در کودک ما از همان سنین کودکی پدید آید که دو چیز را کنار خودش داشته باشد: یکی اینکه شناسنامه‌اش را گم نکند و دیگری هم پرچم کشورش را نگه دارد.»

تقویت پرچم در آثار مکتوب و کتاب
صالحی درباره سیاستگذاری‌ها در افزایش اهمیت پرچم در آثار مکتوب و کتاب‌ها توضیح داد: «تلاش ما این است؛ مسیری که در حوزه پرچم دنبال می‌کنیم از نوع گزارش‌های خیلی معمول نباشد. امسال به عنوان نقطه‌های شروع نیاز به تکانه‌های اولیه دارد که در تقویم رسمی آمده است. دوستان در حوزه کتاب، رسانه و فیلم نیز باید پرچم را به صورت ضمیر ناخوداگاه در بیاورند و اینکه فرد حس کند در اتاق، خانه و در اسباب بازی کودکان نشانه‌هایی از پرچم باید باشد. باید با استفاده از ظرفیت‌هایی که در فرهنگ از جمله کتاب، رسانه، فیلم، تئاتر و موسیقی در اختیار داریم تلاش کنیم در یک



یکم مهرماه

به عنوان

«روز پرچم»

نامگذاری

شد.

در همین

راستا در روز

پرچم، وزارت

فرهنگ و

ارشاد اسلامی

میزبان

اولین آیین

برافراشتن

پرچم

جمهوری

اسلامی ایران

بود

نقش پرچم در حوزه مد و لباس



برش

صالحی در پاسخ به این سؤال که برای ورود پرزنگ‌تر این هویت ملی در کارگروه مد و لباس چه پیشنهاد و راهکاری دارید، گفت: «طبعاً جایی که بسیار مهم است، به حوزه‌های پوشش، مد و لباس مربوط می‌شود که خود حوزه‌ای ارجاع بخش است. هر مقدار که بتوانیم پرچم ایران را در فضای مد، لباس و پوشش به گونه‌ای در قالب ارجاعات روشن و مطابق با سلیقه، و همراه با نوعی ژنت اجتماعی قرار دهیم بسیار مهم است و این وظیفه در حوزه کار طراحان است. این کار کمک می‌کند تا افراد حس کنند که پرچم، حاشیه زندگی و کنار زندگی نیست؛ بلکه هر اندازه که نمادهای خودمان را به گونه‌ای قرار دهیم که به جای در حاشیه بودن، همراه با زندگی باشند، ماندگاری و تأثیرگذاری آنها بیشتر است. لباس و پوشش، بخش زیادی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهد؛ اگر پرچم به گونه‌ای در لباس و پوشش جای خود را پیدا کند که با سلیقه و بدون گل‌درشتی کلیشه‌ای باشد، در عمل کمک می‌کند تا این نماد را به عنوان یار و همراه زندگی خود بدانیم.»



محافظت کنند و آئنده‌ای که نمی‌خواهند در آتش جنگ از بین برود. چنین نگاهی الزاماً به معنای شعار دادن درباره وطن نیست، برعکس، سینما زمانی می‌تواند مفهوم دوست و شخصیت‌هایی که آدم‌های واقعی با تردیدها، ترس‌ها و ضعف‌هایشان در مرکز روایت قرار گیرند. فیلمساز می‌تواند از سربازی بگوید که میان ترس از مرگ و مسئولیتش ایستاده، از مادری که در روزهای حمله باید میان ماندن و رفتن تصمیم بگیرد، از امدادگری که زیر آتش به کارش ادامه می‌دهد، از خانواده‌ای که خانه‌اش را ترک نمی‌کند یا حتی از آدمی معمولی که ناگهان درمی‌یابد نسبتش با شهر و سرزمینش چیست. چنین روایت‌هایی می‌توانند مفهوم دفاع را از یک مفهوم انتزاعی و رسمی به تجربه‌ای ملموس و انسانی تبدیل کنند.

سینمای دفاع مقدس

در آستانه یک تولد دوباره

۴۵ سالگی سینمای دفاع مقدس، فقط یک

هم‌زمان با آغاز ماه مهر و شروع سال تحصیلی، دو قسمت از مجموعه ماندگار «قصه‌های مجید» با عنوان‌های «ژاکت» و «صبح روز بعد» به کارگردانی کیومرث پوراحمد از شبکه نمایش پخش شد. مجموعه‌ای که برای چند نسل از مخاطبان تلویزیون، تنها یک سریال خاطره‌انگیز نیست، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی و تصویری دوران نوجوانی آنهاست. بازپخش «قصه‌های مجید» در آستانه بازگشایی مدارس، بهانه‌ای است برای بازگشت به مجموعه‌ای که نام کیومرث پوراحمد را برای بسیاری از متولدین دهه‌های پنجاه و شصت با خود گره زده و شاید مهم‌تر از آن، فرصتی برای بازخوانی تجربه زیسته نسلی باشد که روزگاری با مجید هم‌سن و هم‌دل بود.

«قصه‌های مجید» اقتباسی از داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بود، اما پوراحمد صرفاً داستان‌های کتاب را به تصویر نکشید. او جهان داستان را به تجربه‌ای سینمایی و بومی بدل کرد، تجربه‌ای که در آن، نوجوانی مجید می‌توانست بازتابی از نوجوانی بسیاری از هم‌نسلان او باشد. نکته قابل تأمل اینکه در کتاب، داستان در کرمان می‌گذرد، اما پوراحمد آن را به اصفهان برد. این جابه‌جایی جغرافیایی نه تنها به روح قصه لطمه نزد، بلکه نشان داد تجربه نوجوانی در آن سال‌ها، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و لهجه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های محلی، اشتراکات فراوانی داشت.

مجید در جهانی زندگی می‌کند که امکانات و انتخاب‌هایش محدود است. خانه و مدرسه، تقریباً تمام قلمرو زندگی او را تشکیل می‌دهند و در همین محدوده کوچک، مجموعه‌ای از رؤیاها، ناگامی‌ها، شیطنت‌ها، ترس‌ها و میل به استقلال شکل می‌گیرد. شاید نوجوان امروز که در جهانی مملو از ارتباطات، انتخاب‌ها و دسترسی‌های گسترده زندگی می‌کند، به دشواری بتواند همه مختصات زیست مجید را درک کند. اما همین فاصله، ارزش بازمینی این مجموعه را بیشتری می‌کند، چراکه «قصه‌های مجید» فقط درباره آن چیزی نیست که یک نوجوان داشته، بلکه درباره چیزهایی هم هست که نداشت و با وجود آنها تلاش کرده جهان خودش را بسازد.

از این منظر، مجید را می‌توان نمادی از نوجوانی نسلی دانست که در فضای پسا جنگ و آغاز دوران سازندگی، با تغییرات اجتماعی و فرهنگی تازه‌ای مواجه شد. جامعه‌ای که به تدریج نشانه‌های تضاد میان سنت و مدرنیته در آن آشکار می‌شد، برای نوجوانی که خود در حال عبور از مرحله کودکی به بزرگسالی بود، تجربه‌ای دوگانه می‌ساخت: میل به استقلال از یک سو و ضرورت پذیرش قواعد و محدودیت‌های موجود از سوی دیگر.

رابطه مجید و بی‌بی یکی از مهم‌ترین نمودهای همین وضعیت است. رابطه‌ای که در آن مهر، دلسوزی، کشمکش و اختلاف نسل‌ها هم‌زمان حضور دارند. بی‌بی نماینده جهانی است که قواعد و ارزش‌های خود را دارد و مجید نماینده نسلی که آرام‌آرام می‌خواهد برای خودش هویت مستقلی بسازد. از همین رو، کشمکش میان این دو صرفاً اختلاف یک مادر و پسر نیست؛ بخشی از گفت‌وگوی دشوار میان سنت و جهان در حال تغییر است. مرتضی آوینی نیز در یادداشتی با عنوان «دوست دارم ایران» بر هویت ایرانی این مجموعه تأکید کرده بود. او هویت ایرانی «قصه‌های مجید» را بیش از آن که صرفاً ناگهی از داستان‌های مرادی کرمانی بداند، به ساختار سینمایی و روایت پوراحمد مرتبط می‌دانست. این نکته مهم است: پوراحمد از دل داستانی که می‌توانست در جغرافیای دیگری روایت شود، تصویری مشخص از ایران ساخت، ایرانی که در خانه، مدرسه، کوچه و روابط میان آدم‌هایش دیده می‌شد. به همین دلیل می‌توان گفت که بازگشت «قصه‌های مجید» پس از سال‌ها، صرفاً بازگشت یک کتاب به سینما نیست. نسلی که روزگاری با مجید هم‌سن بود، امروز در یک نوستالژی نیست. نسلی که خودش را در آن کوچه‌ها، کلاس‌ها و خانه و میانسالی ایستاده است. بسیاری از رؤیاها، ناگامی‌ها، محرومیت‌ها و حتی شادی‌های آن دوران، همچنان در حافظه این نسل باقی مانده‌اند. بازنگری در «قصه‌های مجید» می‌تواند بهانه‌ای باشد برای فهم اینکه بخشی از انسان امروز این نسل چگونه در همان سال‌های نوجوانی شکل گرفته است. «قصه‌های مجید» بنابراین امروز دیگر فقط قصه یک نوجوان اصفهانی نیست. قصه نسلی است که نوجوانی‌اش را پشت سر گذاشته، اما هنوز بخشی از خودش را در آن کوچه‌ها، کلاس‌ها و خانه و در رابطه میان مجید و بی‌بی جا گذاشته است. راز ماندگاری «قصه‌های مجید» را باید در همین معنا جست‌وجو کرد. اینکه مجید بزرگ نمی‌شود، اما تماشاگرانش بزرگ می‌شوند و هر بار که او را می‌بینند، بخشی از نوجوانی خود را دوباره پیدا می‌کنند.